

نقش نگرش در پیشگیری و درمان اعتیاد

طیبه مجرد بهره^۱، مهدی رحیمی^۲

چکیده

رواج دهندگان اعتیاد به خوبی به این نکته پی برده‌اند که با ایجاد نگرش مثبت به موادمخدر و شیوع باورهای غلط در میان افراد جامعه می‌توانند بازار مصرف خوب و سودآوری به دست آورند. از این رو، یکی از دلایل عمده مشکل اعتیاد، خطر هنجار شدن مصرف مواد و نگرش مثبت به موادمخدر و آثار آن است. بر این اساس، بررسی نقش نگرش به موادمخدر در پیشگیری و درمان اعتیاد امری ضروری است. در این پژوهش عوامل موثر بر ایجاد نگرش مثبت و منفی نسبت به موادمخدر و اعتیاد مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نگرش به صورت مستقیم و غیر مستقیم بر رفتارهای اعتیاد آور تاثیر می‌گذارد. از این رو، می‌توان با تغییر نگرش‌های مثبت افراد و تقویت نگرش‌های منفی آنان نسبت به مواد مخدر از تمایل به سوء مصرف مواد و تداوم آن پیشگیری نمود. هر چه این نگرش‌ها بر علم، تجربه و آموزش متکی باشد در رفتار آینده فرد موثرتر خواهد بود. با شناخت نگرش‌های مثبت و منفی، شدت و ضعف آن‌ها، بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری نگرش‌ها و تدوین برنامه‌های آموزشی پیشگیرانه خانواده محور و هدفمند می‌توان نگرش‌ها را هدایت نمود و با تغییر آن‌ها به تصحیح رفتار پرداخت. برنامه‌ریزی‌ها باید به نحوی باشد که نوجوانان و جوانان در سلسله آموزش‌های ارتقاء توانمندی اجتماعی و روانی نسبت به مواد نگرشی منفی پیدا کنند. در مجموع می‌توان گفت اصلاح و تغییر نگرش افراد نقش مهمی در پیشگیری و درمان اعتیاد دارد.

کلید واژه‌ها: نگرش، اعتیاد، سوء مصرف مواد، پیشگیری، درمان

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، پست

الکترونیک: farnaz.mojarrad@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی گرایش بازاریابی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

مقدمه

سوء مصرف مواد و پیامدهای مخرب آن از چالش‌انگیزترین موضوعات در زمینه سلامت و پزشکی است (تاو لاجی^۱ و همکاران، ۲۰۱۳). یکی از دلایل عمده مشکل اعتیاد، خطر هنجار شدن مصرف مواد و نگرش مثبت به موادمخدر و آثار آن است. سوء مصرف مواد با این باور غلط که مصرف گاه و بی‌گاه و تفریحی موادمخدر فرد را معتاد نمی‌کند، افزایش یافته است تا جایی که در بعضی از جشن‌ها و مهمانی‌ها و حتی مراسم عزاداری وجود موادمخدر و مصرف آن نشانه تشخیص و منزلت میزبان تلقی می‌شود (زاهدی اصل و لطفی، ۱۳۹۱). رواج دهندگان اعتیاد نیز به خوبی به این نکته پی برده‌اند که با ایجاد نگرش مثبت به موادمخدر و شیوع باورهای غلط در میان افراد جامعه می‌توانند بازار مصرف خوب و سودآوری به دست آورند. به طور مثال، تریاک به عنوان یک دارو جهت تسکین و درمان بعضی از بیماری‌ها معرفی می‌شود و سبب اعتیاد بعضی از بیماران شده است. همچنین، تریاک را وسیله‌ای جهت پائین آوردن چربی خون، جلوگیری از سگته‌های مغزی و قلبی و حتی درمان ناتوانی‌های جنسی معرفی کرده‌اند و آن را جهت افزایش لذت جنسی تجویز می‌کنند. علاوه بر این، باورهای غلط دیگری به خصوص در میان نوجوانان و جوانان شایع است که حشیش اعتیادآور نیست و هر وقت شخص بخواهد به سادگی مصرف آن را کنار خواهد گذاشت. مصرف تریاک و فرآورده‌های آن در میان رانندگان وسایل نقلیه سنگین که مسافرت‌های طولانی انجام می‌دهند نسبتاً زیاد است. زیرا، این باور غلط وجود دارد که مصرف مواد جهت جلوگیری از خواب موثر است. به طور کلی، باورها و نگرش‌های غلط یاده شده و دیگر باورها که ذکر آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد، موجب گرایش و افزایش مصرف موادمخدر می‌شود. متأسفانه به نظر می‌رسد که در حال حاضر در برخی از گروه‌های جمعیتی کشور نگرش منفی قوی به موادمخدر وجود ندارد و از بار ارزشی منفی آن کاسته شده است (به نقل از جزایری، رفیعی و نظری، ۱۳۸۲).

درمان اعتیاد و شکستن چرخه معیوب آن گران و دشوار است و سیستم درمانی جامعی با رویکردهای مختلف دارو درمانی، روان درمانی، بازپروری و بازتوانی را می‌طلبد. تاکید

افراطی بر یکی از جنبه‌ها و رها ساختن سایر موارد با شکست درمان و عود بالا همراه است. با این حال، حتی موثرترین درمان‌ها نیز عود بالایی داشته‌اند. در چنین شرایطی پیشگیری به طور منطقی جایگزین درمان می‌شود (جزایری، رفیعی و نظری، ۱۳۸۲). یکی از روش‌های پیشگیرانه در برابر مصرف موادمخدر، آگاه‌سازی افراد در مورد خطرات و مضرات موادمخدر و اصلاح نگرش افراد از نگرش مثبت به نگرش منفی به اعتیاد، معتاد و موادمخدر است (رحیمی موقر، ۱۳۷۵). نگرش مثبت به مواد عامل مهمی در اقدام به رفتارهای مربوط به وابستگی و تداوم سوء مصرف مواد است (سجادی و همکاران، ۱۳۸۷). نگرش به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر رفتارهای اعتیادی تاثیر می‌گذارد. به همین دلیل، با تغییر نگرش‌های مثبت افراد و تقویت نگرش‌های منفی آنان نسبت به مواد می‌توان از تمایل به سوء مصرف مواد و تداوم آن پیشگیری نمود (دنهارت و مورفی^۱، ۲۰۱۳). نگرش افراد نقش بسیار مهمی در رفتار آتی آنان دارد و هر چه این نگرش بر علم، تجربه و آموزش متکی باشد در رفتار آینده فرد موثرتر خواهد بود (فرهودیان و همکاران، ۱۳۸۷).

هدف پژوهش حاضر، مروری بر نگرش و نقش آن در پیشگیری و درمان اعتیاد بود. همچنین، در این پژوهش به عوامل موثر بر ایجاد نگرش مثبت و منفی نسبت به موادمخدر و اعتیاد و پژوهش‌های انجام شده پیرامون نگرش و اعتیاد پرداخته می‌شود تا از طریق شناخت این عوامل و تحلیل نتایج تحقیقات قبلی بهتر بتوان در تقویت نگرش منفی و تضعیف نگرش مثبت نسبت به موادمخدر گام برداشت.

نگرش و اجزای تشکیل دهنده آن

نگرش همانند بسیاری از مفاهیم اجتماعی دیگر اجماع کاملی در خصوص تعریف آن وجود ندارد. بهنر و وانک^۲ (۲۰۰۲) نگرش را به عنوان ارزیابی خلاصه و کوتاه از موضوع تفکر تعریف می‌کنند. ویلسون، لیسله و کرافت^۳ (۱۹۹۰) نگرش‌ها را مثابه پرونده‌های روانی می‌دانند که افراد برای ارزیابی اشیاء، اشخاص، اعمال و رویدادها در هنگام نیاز به آن‌ها مراجعه

1. Dennhardt & Murphy
2. Bohner & Wanke

3. Wilson, Lisle & Kraft

می‌کنند. بر اساس نظر آلپورت^۱ (۱۹۳۵) می‌توان در بیشتر تعاریف نگرش فصل مشترک - هایی پیدا کرد. به اعتقاد توماس^۲ (به نقل از بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸) مفهوم چند بعدی از نگرش که شامل عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است، مقبول‌ترین مفهوم برای تعریف نگرش است. بدین ترتیب، نگرش نشان‌دهنده اثر شناختی، عاطفی و رفتاری تجربه شخص از شیء یا یک موضوع اجتماعی است. به عبارتی نگرش تمایل به پاسخ در برابر یک شیء یا موضوع است.

نگرش مرکب از سه عنصر شناختی، عاطفی (احساسی) و آمادگی برای عمل است. در برخی از تعاریف، نگرش را نظام با دوامی از ارزشیابی‌ها یا سازمان با دوامی از باورها دانسته - اند. اصطلاح نظام یا سازمان دلالت بر آن دارد که اجزای سه گانه نگرش با هم همبستگی دارند (بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸). منظور از جزء شناختی نگرش، اطلاعاتی است که فرد درباره موضوع نگرش دارد. مثلاً شناخت ما از نظام دانشگاهی کشورمان می‌تواند این باشد که شامل دوره‌های کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است. جزء احساسی نگرش شامل احساساتی است که موضوع نگرش در شخص بر می‌انگیزد. یعنی، موضوع ممکن است خوشایند یا ناخوشایند باشد، ایجاد خوشی و خوشحالی کند یا بر انگیزنده نفرت و انزجار باشد. همین جنبه احساسی نگرش‌ها است که نقش انگیزشی بر رفتار دارد و اهمیت بعد احساسی را در نگرش مورد تاکید قرار می‌دهد. جوانی که نسبت به تحصیلات دانشگاهی احساس مثبتی دارد، شیفته ورود به دانشگاه است و نسبت به محیط دانشگاه احساس علاقه و احترام خاصی دارد (بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸). جزء آمادگی برای عمل یعنی اینکه نگرش شخص را آماده می‌کند تا در برخورد با یک شیء یا موضوع رفتاری از خود نشان دهد. چنانچه نگرش شخص نسبت به موضوعی مثبت باشد، آماده است که کمک کند، ستایش کند، حمایت کند، یا پاداش دهد (بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸). نگرش ارزشیابی کلی فرد نسبت به یک موضوع خاص است. این ارزشیابی مبتنی بر سه مولفه رفتاری، عاطفی و شناختی است. مولفه عاطفی نگرش به احساسات یا هیجان‌ها؛ مولفه رفتاری نگرش به تجربه‌ها یا رفتارها و مولفه شناختی نگرش به

1. Allport

2. Thomas

باورها و افکار مرتبط است (علیزاده و دهقان نیری، ۱۳۹۵؛ مایو و هادوک، ۲۰۱۰؛ هیلسون و مورای-وبستر، ۲۰۰۷). نگرش همانند یک عینک بر قضاوت و ادراک انسان از محرک-های محیطی دریافت شده تاثیر می‌گذارد.

مشخصات اجزای تشکیل دهنده نگرش

هر یک از سه جزء شناختی، احساسی و آمادگی برای عمل در نگرش‌ها دارای دو مشخصه دیگر هستند که به آن‌ها "نیرومندی یا شدت" و "درجه پیچیدگی" گفته می‌شود. یک نگرش را می‌توان به صورت موافق یا مخالف با یک موضوع در نظر گرفت. اما تنها بیان جهت نگرش نسبت به موضوع نگرش کافی نیست. غالباً لازم است که نیرومندی نگرش، یعنی درجه موافقت یا مخالفت دقیقاً مشخص شود. این ویژگی در مورد هر سه جزء نگرش صدق می‌کند. اجزای نگرش از نظر درجه پیچیدگی نیز می‌توانند متغیر باشند. منظور از درجه پیچیدگی در عنصر شناختی نگرش این است که آیا این شناخت محدود و ساده است یا جامع و گسترده. مثلاً اطلاع از اینکه اصفهان یکی از شهرهای کشور ایران است، نشانه شناخت ساده و درجه پیچیدگی یا تکثر کم است. اما، دانستن اینکه اصفهان شهری است بزرگ که در دوره‌هایی پایتخت کشور ایران بوده است، شهری است پر از آثار تاریخی دیدنی، صنایع دستی آن در دنیا شهرت زیادی دارد و ... نشانه درجه پیچیدگی یا تکثر زیاد است (بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸).

تفاوت نگرش با واقعیت، ارزش، باور و علاقه

نگرش حد وسط دو مفهوم ارزش‌ها و افکار است. افکار واجد معنای محدودتری هستند که لزوماً نقش ارزیابی ندارند. به همین سبب، افکار را می‌توان با یک یا چند سوال ساده سنجید. در عین حال، ارزش‌ها در سوی دیگر قرار دارند و از ماهیت مفهومی عمومی تری نسبت به نگرش برخوردارند. ارزش‌ها اصولی‌تر از نگرش هستند و بر ایده‌های عمومی فرد در قبال جامعه تاثیر می‌گذارند و اهداف او برای همه زندگی را بیان می‌کنند. ارزش‌ها در اصل دستور دهنده به نگرش‌ها هستند (به نقل از حاجلی، زکریایی، حجتی کرمانی، ۱۳۸۹). هر

چند به دشواری می‌توان خط مشخص کننده‌ای بین نگرش و واقعیت کشید، اما لاقلاً می‌توان گفت که بارزترین صفت ممیزکننده نگرش این است که دارای عنصری ارزشیابانه و عاطفی است. مثلاً یک دانشمند معتقد است که فاصله زمین تا کره ماه در حدود چهار میلیون کیلومتر است. اما، وقتی که او مجموعه‌ای از واقعیت‌ها را در مورد یک شخصیت هنری در ذهن داشته باشد به احتمال زیاد نسبت به آن شخصیت دارای احساس‌های عاطفی نیز خواهد بود. یعنی یا او را دوست دارد یا از او متنفر است. بنابراین، یک وجه عمده تمیز بین واقعیت و نگرش، وجود جنبه ارزشیابانه در نگرش است. این تمایز حائز اهمیت فراوان است. زیرا نگرش‌ها و واقعیت‌ها از نظر ثبات نیز تا حدودی تفاوت دارند. یک نگرش وقتی ایجاد و به خوبی مستقر شد در مقابل تغییر بسیار مقاوم‌تر است. در مورد تفاوت بین نگرش و ارزش باید اشاره کرد که ارزش‌ها هدف‌هایی گسترده‌تر، انتزاعی و غالباً فاقد شیء یا موضوع مشخص یا نقطه ارجاع‌اند. شجاعت، زیبایی و آزادی ارزش‌اند. آن‌ها به عنوان معیاری برای قضاوت یا استانداردهای انتزاعی عمل می‌کنند که شخص از آن‌ها برای تصمیم‌گیری بهره می‌برد و از این طریق، نگرش‌ها و باورهای خاصی را در خود ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، اگر زیبایی برای شما ارزش اصلی باشد، بسیاری از باورهای شما حول این محور دور می‌زند که آیا فلان شیء خاص زیباست یا نه؟ نگرش شما نیز به نوبه خود نسبت به آن شیء تحت تاثیر این تصور شما که آن شیء تا چه حد از نظر زیبایی شناسی خوشایند است، قرار می‌گیرد. اما برای افراد دیگر ممکن است کارآمدی یا مناسب بودن یک شیء ارزش غالب باشد و در چنین صورتی، نگرش آنان نسبت به آن شیء می‌تواند با نگرش شما تفاوت و فاصله زیادی داشته باشد (بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸).

عقیده و باور اصطلاحاتی هستند که غالباً مترادف با نگرش تلقی شده‌اند. به گفته مک گوایر^۱ (۱۹۶۹) این اصطلاحات نام‌هایی هستند در جستجوی یک تمایز به جای اینکه تمایزی در جستجوی یک اصطلاح باشند. با وجود این، اصطلاح عقیده در مورد نظرخواهی از عقاید عمومی و جایی که تمرکز روی اعتقادات گروه‌های بزرگی از مردم است به کار

می‌رود. به طور کلی این عقاید عمومی، ترکیبی از نگرش‌ها، باورها و نیت‌های رفتاری هستند (بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸).

نگرش‌ها، همچنین از علائق متمایز هستند. نگرش و علاقه هر دو به دوست داشتن و دوست نداشتن مربوط می‌شوند. هر دو می‌توانند به ترجیح دادن‌ها در مورد فعالیت‌ها، نهادهای اجتماعی یا گروه‌ها مربوط باشند. هر دو شامل احساس‌های شخصی درباره چیزی هستند. همین نکته، چیزی است که سبب تمایز نگرش‌ها از علائق می‌شوند. نگرش نوعاً به عنوان احساس نسبت به یک شیء، یک نهاد اجتماعی یا یک گروه تصور می‌شود. در حالی که علاقه، احساس فرد نسبت به یک فعالیت است (مهرنز و لهمان، ۱۹۸۴ به نقل از بارون، بیرن و برنسکامپ، ۱۳۸۸).

چگونگی شکل‌گیری نگرش‌ها

نظریه پردازان نگرش معتقدند که نگرش‌ها به چندین شیوه آموخته می‌شوند که عبارتند از: تجربه مستقیم، صرف قرار گرفتن در معرض محرک‌ها، شرطی شدن کلاسیک، شرطی شدن کنش‌گر، یادگیری مشاهده‌ای یا الگوگیری و سرمشق گرفتن و مقایسه اجتماعی. یکی از راه‌هایی که نگرش‌ها می‌توانند شکل بگیرند تجربه مستقیم با موضوع یا شیء نگرشی است. نگرش مثبت نسبت به یک شیء ممکن است حاصل تجربه مستقیم و خوشایند ما با آن شیء باشد. همین‌طور نگرش منفی ما می‌تواند حاصل تجربه تلخ ما با یک شیء باشد. گاهی نیز ما بدون اینکه برنامه‌ریزی خاصی داشته باشیم در معرض محرک یا محرک‌هایی قرار می‌گیریم و همین عمل نگرش ما را نسبت به آن محرک یا محرک‌ها شکل می‌دهد. در این جریان، تکرار، نقش مهمی ایفا می‌کند (کریمی، ۱۳۸۶). صاحب نظران شرطی شدن کلاسیک معتقدند که نگرش‌ها می‌توانند تحت تاثیر شرطی شدن زیر آستانه‌ای، یعنی شرطی شدنی که در غیاب آگاهی هشیارانه از وجود محرک‌های دست اندرکار رخ می‌دهند، شکل بگیرند. همچنین، طبق نظریه شرطی شدن کنش‌گر، رفتارهایی که به نتیجه خوشایند برسند تقویت و تکرار می‌شوند و رفتارهایی که به نتایج ناخوشایند برسند، تکرار نمی‌شوند.

بنابراین، طبق این نظریه اظهار نظر یک کودک یا یک بزرگسال در مورد موضوعی، اگر مورد استقبال، تایید یا تشویق قرار گیرد، تکرار شده و به صورت یک نگرش مثبت در می‌آید (هرگنهان و السون^۱ ترجمه سیف، ۱۳۸۲)

نظریه یادگیری اجتماعی بر این باور است که بسیاری از نگرش‌های ما از طریق مشاهده نگرش‌های دیگران و از طریق الگو و سرمشق‌گیری شکل می‌گیرد. به ویژه، مشاهده تقویت و تشویق نگرش خاصی در دیگران، سبب تقویت جانشینی آن نگرش در ما می‌شود. بنابراین، بخشی از نگرش‌های ما تقلیدی است از نگرش‌های دیگران. البته، نگرش‌های افراد همواره به شکل یک دست و یکنواخت تکوین پیدا نمی‌کنند. زیرا، افراد همواره در معرض اطلاعات یکسانی قرار ندارند. تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که نگرش‌های کودکان و نوجوانان بیشتر تحت تاثیر و مشابه با نگرش‌های والدین آن‌ها است. ولی، این شباهت در دوره تحصیلات دانشگاهی کاهش چشمگیری پیدا می‌کند و پس از تحصیلات دانشگاهی تقریباً ثابت می‌ماند (موون و مینور^۲ به نقل از موون و مینور، ۱۳۸۴؛ هرگنهان و السون ترجمه سیف، ۱۳۸۲). طبق دیدگاه مقایسه اجتماعی ما به مقایسه خودمان با دیگران تمایل داریم تا بدانیم که آیا دیدگاه‌های ما در مورد واقعیت‌های اجتماعی درست است یا نه؟ بدین ترتیب، نگرش‌های درست را در مقایسه با دیگران انتخاب و حفظ می‌کنیم. مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در مورد دو قلوها نشان داده است که دو قلوهای یک تخمکی (همسان) از نظر نگرش‌ها شباهت بیشتری به هم دارند تا دو قلوهای دو تخمکی (ناهمسان) و افراد غریبه، حتی اگر این دو قلوهای همسان در محیط‌های کاملاً متفاوت پرورش یافته باشند. همین نتایج سبب شده است که برخی صاحب نظران عوامل ژنتیکی را در شکل‌گیری نگرش‌ها مهم بدانند (کریمی، ۱۳۸۶).

چگونگی تاثیر نگرش‌ها بر رفتار

وقتی سوال نگرش‌ها چگونه رفتار را هدایت می‌کنند؟ مطرح است، جای تعجب نیست که محققان نشان داده‌اند که چندین مکانیسم اساسی وجود دارد که از طریق آن‌ها نگرش‌ها

رفتار را شکل می‌دهند. نخست، ما رفتارهایی را بررسی می‌کنیم که به وسیله نگرش‌ها هدایت می‌شوند و مبتنی بر فکر معقول هستند و بعد به بررسی نقش نگرش‌ها در پاسخ‌های رفتاری خود انگیزخته می‌پردازیم (کریمی، ۱۳۸۶). کریمی (۱۳۷۹) در جمع‌بندی تعاریف به یک نکته اصلی اشاره می‌کند: «نگرش‌ها تعیین‌کننده رفتارها هستند و این فرض به طور ضمنی دلالت بر این امر دارد که می‌توان با تغییر نگرش‌های افراد، رفتار آنان را تغییر داد». وی سپس سه ویژگی برای نگرش بیان می‌کند. نخست آن که هر نگرشی معطوف به یک موضوع است که این موضوع می‌تواند شخص، رویداد یا موقعیت خاصی باشد. دوم آنکه، نگرش‌ها معمولاً ارزشی‌اند. یعنی، در آن‌ها باور به خوب بودن یا بد بودن، مناسب بودن یا نامناسب بودن و با ارزش بودن یا بی‌ارزش بودن نهفته است و سوم آنکه، نگرش‌ها معمولاً دارای ثبات و دوام قابل توجهی هستند.

نگرش‌ها در روان‌شناسی اجتماعی به این دلیل که رفتار را تحت تاثیر قرار می‌دهند، مرکزیت دارند. آن‌ها پردازش اطلاعات و مواجهه اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و بخشی از مفهوم "خود" شخص را شکل می‌دهند (بهنر و وانک، ۲۰۰۲). معمولاً عوامل شناختی و احساسی که رفتار فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند، به نگرش ربط داده می‌شوند. رابطه نگرش و رفتار رابطه‌ای غیر قابل انکار است. ولی، هیچگاه نمی‌توان رفتارها را بخشی از نگرش دانست (حاجلی و همکاران، ۱۳۸۹).

اندازه‌گیری و سنجش نگرش‌ها

از آنجا که نگرش‌ها مفاهیمی کیفی و انتزاعی هستند برای سنجش آن‌ها مجبوریم به شیوه‌ها و روش‌های کمی متوسل شویم. برای سنجش نگرش‌ها از مقیاس‌های نگرش استفاده می‌شود. این مقیاس‌ها انواع متعددی دارند: "مقیاس فاصله‌های یکسان‌نما" که به وسیله ترستون تهیه شده است و بدین صورت است که ابتدا تعداد زیادی جملات گوناگون حاکی از مخالفت یا موافقت با موضوع نگرش تهیه می‌شود. بعد گروهی از داوران این جملات را از نظر میزان مخالفت یا موافقت ارزیابی و یک ارزش میزانی برای هر کدام تعیین می‌کنند.

سپس، این جملات را برای سنجش نگرش‌های افراد مورد استفاده قرار می‌دهند. "مقیاس مجموع درجه‌بندی" یا "مقیاس لیکرت" نیز با گردآوری تعداد زیادی جملات مربوط به موضوع نگرش آغاز می‌شود. سپس این جملات به آزمودنی‌ها ارائه شده و میزان مخالفت یا موافقت آن‌ها روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، نظری ندارم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص می‌شود.

در "مقیاس فاصله اجتماعی بوگاردوس" میزان پذیرش و نزدیک شدن فرد به مردم کشورهای دیگر یا گروه‌های خاص به صورت هفت درجه مختلف پذیرش سنجیده می‌شود. همچنین، "مقیاس تراکمی" یا "مقیاس گاتمن" نیز برای سنجش نگرش‌های یک بعدی به کار می‌رود. در محاسبه نمرات این مقیاس همیشه بالاترین یا افراطی‌ترین نمره، ملاک قضاوت درباره نگرش فرد پاسخ دهنده است و بالاخره برای سنجش نگرش‌ها به جز مقیاس‌های ذکر شده از روش‌های دیگری چون مقیاس‌های تک ماده‌ای، مصاحبه، روش‌های فرافکن و فنون پوشیده یا مبدل، روش افتراق معنایی، روش‌های فیزیولوژیایی و روش مشاهدات رفتاری می‌توان بهره گرفت. همه این روش‌ها با مسئله تعیین اعتبار و پایایی روبرو هستند (کریمی، ۱۳۸۶).

نگرش و سوءمصرف مواد

به تصورات غیر واقعی فرد نسبت به مصرف، خطرات و اثرات موادمخدر، نگرش مثبت به موادمخدر گفته می‌شود. نگرش مثبت به موادمخدر یک سازه چندبعدی است که از سه بعد اثرات، مصرف و خطرات موادمخدر تشکیل شده است. بعد نگرش نسبت به اثرات استفاده از موادمخدر به پیامدهای فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی مثبت حاصل از مصرف موادمخدر اشاره دارد. مثلاً فردی که می‌گوید: مصرف موادمخدر موجب کاهش اضطراب و نگرانی می‌شود، در واقع، به تاثیر موادمخدر به عنوان ماده‌ای آرام بخش از لحاظ روانی اعتقاد دارد و احتمال زیادی دارد که در آینده برای دستیابی به آرامش روانی به مصرف موادمخدر روی بیاورد (دلاور، علیزاده و رضایی، ۱۳۸۳). بعد نگرش نسبت به خطرات استفاده از موادمخدر به تصورات غیر واقعی فرد درباره خطرات آن اشاره دارد. برای نمونه، فردی که باور دارد موادمخدر فقط زمانی خطرناک است که مواد غیرخالص باشد، در واقع، او

تصوری غیر واقعی نسبت به خطرات استفاده از موادمخدر دارد. بنابراین، چنین فردی نگرش مثبتی به استفاده از موادمخدر دارد و اگر افرادی به او موادمخدر بدهند و او را مطمئن کنند که مواد کاملاً خالص است، احتمال زیادی دارد که مواد را مصرف نماید. بعد نگرش نسبت به مصرف موادمخدر به علاقه و تمایل فرد برای استفاده از موادمخدر اشاره دارد که این علاقه بدون در نظر گرفتن اثرات مثبت (فیزیکی، روانی و اجتماعی) و صرف نظر از خطراتی است که مصرف موادمخدر برای او در پی دارد، لذا فرد علاقه‌مند است که از موادمخدر استفاده نماید (به نقل از علیزاده و دهقان نیری، ۱۳۹۵).

شکل‌گیری نگرش مثبت به موادمخدر در نوجوانان تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار دارد که آن‌ها را می‌توان در دو طبقه فردی و خانوادگی تقسیم‌بندی نمود. ویژگی‌های فردی مانند ویژگی‌های شخصیتی شامل برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی (گنجی، رهنمای نمین و شریفی، ۱۳۹۳)، هیجان‌خواهی زیاد (حسینی، ۱۳۸۹)، افسردگی (اکبری و عموپور، ۱۳۸۹)، عزت نفس کم (خوشابی، مرادی و حبیبی، ۱۳۹۰)، احساس خودکارآمدی پائین (بشیریان، حیدرنیا، اله وردی پور و حاجی زاده، ۱۳۹۱)، هوش هیجانی درون فردی و برون فردی پائین و وجود مشکل در کنترل تکانه و برون‌ریزی خشم (خوشابی و همکاران، ۱۳۹۰) می‌توانند باعث شکل‌گیری نگرش مثبت نسبت به موادمخدر شوند. ویژگی‌های خانوادگی مانند شیوه‌های تربیتی و فرزندپروری والدین، تحصیلات والدین، ناایمنی و آشفتگی در محیط خانه نیز باعث شکل‌گیری نگرش مثبت به موادمخدر می‌شوند. شیوه‌های تربیتی سهل‌گیر یا سلطه‌جو بودن والدین (گنجی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ریاحی، علیوردی نیا و سلیمانی بشلی، ۱۳۸۸؛ علیزاده، ۱۳۸۴)، تعداد زیاد افراد خانواده (دلاور و همکاران، ۱۳۸۸)، بی‌تفاوتی یا عدم نظارت به کارهای فرزندان (اله‌یاس^۱ و همکاران، ۲۰۱۵؛ پارسای، وی سینی، مارسیجلیا، کولیس و نییری^۲، ۲۰۰۹) نیز در شکل‌گیری نگرش مثبت به موادمخدر در نوجوانان نقش دارند (به نقل از علیزاده و دهقان نیری، ۱۳۹۵).

1. Alhyas

2. Parsai, Voisine, Marsiglia, Kulis & Nieri

نیازهای عاطفی نوجوان چنانچه در خانواده تامین نشود، به احتمال زیاد او تلاش خواهد کرد تا از طریق عضویت در گروه همسالان این نیاز را برطرف کند. چنین نوجوانانی برای حفظ عضویت گروهی، نگرش‌های خود را با نگرش‌های همسالانشان هماهنگ می‌کنند. این تغییر نگرش به تدریج و در نتیجه گفتگوهای دوستانه و آگاه شدن از اثرات موادمخدر ایجاد می‌شود. حتی اگر نوجوانان پیش از عضویت گروهی، نگرش منفی نسبت به موادمخدر داشته باشند، به احتمال بسیار، آن‌ها نگرش خود را تغییر خواهند داد (الهیاس و همکاران، ۲۰۱۵؛ باهر، هافمن و یانگ، ۲۰۰۵؛ زاهدی اصل و لطفی، ۱۳۹۱). الگوگیری از خانواده نیز می‌تواند باعث شکل‌گیری نگرش مثبت در نوجوانان شود. یعنی، اگر پدر و مادر نوجوان، نگرش مثبت به موادمخدر داشته باشند و یک یا هر دوی آن‌ها از موادمخدر استفاده کنند، در فرزند آن‌ها نگرش مثبت به موادمخدر ایجاد می‌شود. چون، این فرزندان پدر و مادر خود را الگو قرار داده و نگرش‌های آنان را تقلید می‌نمایند؛ حتی اگر پدر و مادر، اجباری در ایجاد نگرش خاصی در فرزندان نداشته باشند (شریفی و رضایی، ۱۳۸۸؛ بیرهانو، بیستگن، والدیوهانس، ۲۰۱۴). تحصیلات پدر و مادر عامل دیگری است که با نگرش مثبت نوجوانان به موادمخدر رابطه دارد. هر چند، شواهد قوی برای این ارتباط به دست نیامده است (جباری بیرامی، بخشیان، وحیدی، محمد پور اصل، ۱۳۸۷). با این حال، پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهند که با افزایش تحصیلات مادر، نگرش فرزندان نسبت به اثرات موادمخدر منفی‌تر می‌شود (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۸؛ دلاور و همکاران، ۱۳۸۸). زیرا مادران دارای تحصیلات بالا قادرند که تعامل مطلوبی با فرزندانیشان برقرار کنند و در باره پیامدهای منفی موادمخدر با فرزندانیشان گفتگو کنند و شناخت بهتری به آنان بدهند (علیزاده، ۱۳۸۴).

در واقع، اشاره به عنصر شناختی در حوزه اعتیاد و سوء مصرف مواد، تاکید بر فرآیندهای ذهنی پنهان است که توسط اصطلاحات گوناگون نظیر گرایشات، انتظارات، باورها، نگرش‌ها و طرح واره‌ها توصیف می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که سازه‌های

شناختی و اجتماعی نظیر نگرش‌ها با رفتار رابطه دارند. به عبارت دیگر، در صورتی که فرد نسبت به موضوع خاصی دارای نگرش پایدار، برجسته، نیرومند و مبتنی بر استدلال باشد، با احتمال خیلی زیاد مرتکب رفتاری می‌شود که با نگرش مذکور رابطه بالایی دارد (رضایی، دلاور و نجفی، ۱۳۹۱؛ تیلور، پیلا، و سیرز، ۲۰۰۰؛ بارون و برن، ۲۰۰۰؛ برم، کازین و ۱۹۹۹؛ کنریک، نیوبرک و سالدینی، ۱۹۹۹). بنابراین، ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی مصرف موادمخدر، عنصری محوری در شناخت علت گرایش جوانان و نوجوانان به مواد است. این نوع ارزیابی‌ها به طور خواسته یا ناخواسته تحت تاثیر نگرش افراد نسبت به موادمخدر و اثرات و پیامدهای آن است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ بیت-مارون، آستین، فیثوف، پالمگرن و جکبوس-کواتل، ۱۹۹۴). در این ارتباط نقش نگرش به موادمخدر آن قدر از اهمیت برخوردار است که آلبرت الیس بیان داشته است که تفکر و نوع نگرش افراد معتاد است که آن‌ها را به سوی مصرف مجدد مواد سوق می‌دهد و یا آن‌ها را برای همیشه از مصرف مواد دور می‌سازد.

۱۷۵

نوع نگرش فرد معتاد نسبت به موادمخدر نوعی تفکر است که ممکن است منطقی یا غیرمنطقی باشد و اغلب ماهیتی خودکار، ناهشیار و دائمی دارد و به راحتی نمی‌توان این نوع نگرش را تغییر داد. با این حال، یکی از شیوه‌هایی که به معتاد کمک می‌کند تا به شناخت خود دست یابد، بررسی نوع نگرش و ایجاد نگرش منفی نسبت به اعتیاد است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۱). آیزن و فیث بین^۶ (۱۹۸۰) نیز بر اساس نظریه‌ای که موسوم به نظریه اقدام عقلانی است، به نقش نگرش‌ها در گرایش به اعتیاد توسط نوجوانان و جوانان اهمیت قابل توجهی داده‌اند. در واقع، شواهد نشان می‌دهد که نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی رفتارهای فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهند و نیات رفتاری تعیین کننده‌های واقعی رفتار هستند. پژوهش‌های اوکلاگان، چانت، کالان و باگلیون^۷ (۱۹۹۷) و کوتر^۸ (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که

1. Taylor, Peplau, & Cears
2. Baron & Byrune
3. Brehm, Kassin & Fein
4. Kenrick, Neuberg & Cialdini
5. Beythe-Maroon, Austin, Fischhoff, Palmgren & Jacobs-Quadtel
6. Ajzen & Fishbein
7. O Callaghan, Chant, Callan & Baglion
8. Kuther

نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی نوجوانان و جوانان موجب شکل‌گیری نیات و مقاصد نسبت به مواد و سپس ارتکاب عمل مصرف مواد می‌شوند.

در بررسی علل ایجاد اعتیاد وقتی به فقر به عنوان عامل مستقیم اشاره می‌شود این سوال مطرح می‌شود که چگونه است که بسیاری از مردم فقیر معتاد نیستند و در عوض، برخی از گروه‌های با درآمد بالا معتادند؟ یا اگر در دسترس بودن مواد را به عنوان عامل موثر و تعیین‌کننده اعتیاد بدانیم این سوال مطرح می‌شود مواد مخدر می‌تواند در دسترس بسیاری از گروه‌های اجتماعی قرار گیرد چرا برخی استفاده می‌کنند و برخی دیگر مصرف نمی‌کنند؟ بنابراین، نسبت به سایر علل به وجود آورنده اعتیاد می‌توان چنین سوالاتی را طرح نمود. اما نکته مهم این است که عده‌ای از افراد به دلیل نگرش مثبت به مواد و برداشت‌ها و انتظارات مثبتی که از مصرف مواد دارند، گرایش به مصرف پیدا می‌کنند و عده‌ای دیگر با وجود دیگر عوامل زمینه‌ساز اعتیاد (همچون فقر، در دسترس بودن مواد، همسالان معتاد و ...) به دلیل نگرش‌های منفی، گرایشی به سمت مصرف ندارند. در ضمن، هر قدر افراد نگرش منفی‌تری نسبت به مواد مخدر داشته باشند، احتمال پاسخ دادن به مصرف مواد نیز پائین‌تر می‌آید و بدون شک، دیدگاه مثبت نسبت به مصرف مواد مخدر و تصورات غلط در باره آن، بهترین دلیل برای سوء مصرف مواد است (به نقل از زاهدی اصل و لطفی، ۱۳۹۱).

نگرش‌های خاص مرتبط با مصرف مواد

نگرش‌های خاص مرتبط با مصرف مواد و موثر در تغییر رفتار شامل موارد زیر می‌شوند:

- ۱- یکی از این نگرش‌ها این اعتقاد است که مصرف مواد برای مقابله با مشکلات زندگی قابل پذیرش است.
- ۲- عقیده بر این است که افراد با این برداشت مواد را مصرف می‌کنند که احساس ناکامی در زندگی را جبران کنند.
- ۳- عقاید مربوط به خود درمانی: افراد مصرف مواد را روشی موثر برای مقابله با علائم بیماری و اضطراب می‌دانند. این عقیده بسیار قدرتمند است و به سختی تغییر می‌کند. حتی اگر شواهد جسمی نشان دهند که خود درمانی به خوبی عمل نمی‌کند.

۴- نگرش مربوط به قدرت برخی داروها (افسانه‌ها و انتظارات مربوط به داروها): معمولاً این افسانه‌ها کاملاً اشتباه است و تحقیقات از آن‌ها حمایت نمی‌کنند. این افسانه‌ها شامل این موارد می‌باشند: داروها توانایی ایجاد فردی دوست داشتنی تر و اجتماعی تر، با قدرت جسمی بیشتر، توان عقلانی بالاتر، پر انرژی تر، دارای توان جنسی بیشتر و جذاب تر را دارند (به نقل از زاهدی اصل و لطفی، ۱۳۹۱).

عوامل موثر بر نگرش به مواد مخدر

نگرش افراد از عوامل متعددی تاثیر می‌پذیرد. یکی از این عوامل، نگرش و رفتار اطرافیان است. بر اساس فرضیات مربوط به تاثیر اجتماع مانند فرضیه یادگیری اجتماعی بندورا^۱ (۱۹۹۷) و فرضیه کنترل اجتماعی (هیرچی^۲، ۱۹۶۹) محیط اجتماعی درونی و بیرونی نوجوان، در مصرف مواد در آینده موثرند. نظریه تلقیح اجتماعی ریچارد ایوانس به معرفی برخی از عوامل اجتماعی می‌پردازد که با تاثیر بر عقاید و نگرش‌های شخص، وی را مجبور به استفاده از مواد می‌کند. در ایالات متحده با استفاده از این نظریه برنامه‌ای تحت عنوان «برنامه آموزش مقاومت در برابر سوء مصرف مواد» تدوین شده است که عناصر یادگیری اجتماعی را با اصل شرکت فعالانه تلفیق می‌کند. با استفاده از این برنامه‌ها می‌توان به افراد کمک کرد که در برابر فشار همسالان برای استفاده از مواد مخدر مقاومت نمایند. در واقع، با استفاده از این برنامه، دانش‌آموزان درباره فشارهای اجتماعی استفاده از مواد مخدر آموزش می‌بینند و مهارت‌هایی را برای مقابله با این فشارها کسب می‌کنند (به نقل از جزایری، رفیعی، نظری، ۱۳۸۲).

کرچ، کرچفیلد و بالاکی^۳ (۱۹۶۲) یکی از عوامل مهم در تکوین نگرش‌ها را گروهی می‌دانند که شخص در آن عضویت دارد. می‌توان گفت که نگرش‌های شخصی نماینده اعتقادات و سنت‌های گروه‌هایی است که شخص در آن‌ها عضویت دارد. همچنین، نیوکامب^۴ (۱۹۴۶) و هس^۵ (۲۰۰۶) به بررسی تاثیر گروه مرجع بر نگرش‌ها پرداختند. آن‌ها

1. Bandura
2. Hirschi
3. Kretch & Crutchfield & Ballachey

4. Newcomb
5. Hess

مطرح می‌کنند که ارزش‌ها و بسیاری از نگرش‌های ما غالباً وام گرفته از گروه‌هایی هستند که به آن‌ها گرایش داریم. ساترلند^۱ (۱۹۴۹) نیز معتقد است برای این که شخص بتواند بزهکار شود باید بزهکاری را یاد بگیرد و این یادگیری در نتیجه کنش‌های متقابل اجتماعی در فرآیند اجتماعی شدن است که در این راستا، گروه دوستان و خانواده نقش مهمی دارند. اگر فرد با افراد هم‌نوا پیوند ضعیفی داشته باشد، احتمال بزهکار شدن او بیشتر است. همچنین، اگر در جریان اجتماعی شدن، محیط زندگی فرد نامناسب باشد در چنین شرایطی فرد دچار سرگردانی می‌شود و عدم ارضای نیازها به همراهی عدم نظارت دقیق خانواده او را به سوی گروه‌های بزهکار و مصرف مواد سوق می‌دهد. اوتینگ و بیوایس^۲ (۱۹۸۷) در نظریه گروه دوستان مطرح می‌کنند که مهم‌ترین متغیر در سوء مصرف مواد تاثیر همسالان است و همسالان نقش اصلی را در شکل‌گیری نگرش فرد به مواد دارند. مید^۳ (۱۹۸۲) نیز در مورد شکل‌گیری تصور از خود و نگرش، جامعه، نهادها و سازمان‌های رسمی را بسیار با اهمیت تلقی می‌کند. نگرش یک محصول اجتماعی است و از مشارکت در فرآیند تعاملات اجتماعی استنتاج می‌شود. از نظر مید، خود اجتماعی هویتی است که به وسیله واکنش‌های دیگران به فرد داده می‌شود. تکوین آگاهی و نگرش در کودک در جریان فرآیند اجتماعی شدن صورت می‌گیرد. در این فرآیند کودک به وسیله ارتباطی که با اعضای خانواده، همبازی‌ها و دوستان برقرار می‌کند در طی مراحل تقلید، بازی‌های فردی و جمعی به شکل‌گیری خود و نگرش می‌پردازد (نویخت، ۱۳۹۴).

بندورا^۴ (۱۹۷۱) در نظریه یادگیری اجتماعی خود بیان می‌کند که رفتار شخص محصول یادگیری‌های پیشین او است. رفتار کنونی به وسیله تقویت‌های گذشته شکل گرفته است. وی چنین استدلال کرده است که بیشترین یادگیری به واسطه ادراکات و تفکر افراد درباره آنچه تجربه می‌کنند، حاصل می‌شود. افراد به واسطه تقلید از دیگران و سرمشق قرار دادن افراد خانواده و دوستانشان یاد می‌گیرند. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا وقتی که در مورد مصرف مواد به کار می‌رود، چنین استدلال می‌کند که نوجوانان باورهای خود را در مورد

1. Sutherland
2. Oetting & Beauvaise

3. Mead
4. Bandura

مصرف مواد از الگوهای نقش خصوصاً دوستان نزدیک و والدین مصرف‌کننده مواد مخدر کسب می‌کنند. در این دیدگاه فرض بر این است که مواجهه و ارتباط با دوستان و والدینی که مصرف‌کننده مواد هستند، نگرش افراد را در جهت مثبت تحت تاثیر قرار می‌دهد. زایونک (۱۳۶۸) مفهوم در معرض قرار گرفتن اجباری را عنوان کرده است. بدین معنی که کودک در بسیاری از مواقع تنها در معرض یک نوع موضع خاص قرار می‌گیرد و همین امر باعث می‌شود که نگرش او بازتاب این حالت در معرض قرار گرفتن اجباری باشد و هر چه دفعات این مشاهده بیشتر باشد، پاسخ به آن نیرومندتر می‌شود و می‌تواند نگرش مثبتی به موضوع مورد مشاهده پیدا کند.

از نظر مانهایم^۱ (۱۳۸۰) بین زیر ساخت اقتصادی - اجتماعی و روساخت ایدئولوژیکی رابطه دو سویه برقرار است. مانهایم به این باور رسید که ایده‌ها صرفاً از درون سرچشمه نمی‌گیرند، بلکه در واکنش به تعیین‌کننده‌هایی از بیرون ساختارهای اجتماعی نشأت می‌گیرند. مانهایم استدلال کرد که ایده‌ها از خانواده، مدارس و گروه‌های منزلتی نشأت می‌گیرند. اما، مهم‌ترین منشاء ایده‌ها و نگرش‌ها، پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد است. هدف مانهایم تعیین رابطه موجود بین تفکر و کنش بود. او تفکر را نه فعالیتی جدا افتاده، بلکه به مثابه فعالیتی می‌دانست که ریشه در بستر جامعه‌شناختی دارد. به عبارتی شیوه تفکر افراد بیش از آن که به خود آنان بستگی داشته باشد به جامعه و شرایط زندگی آن‌ها بستگی دارد. با این اوصاف، سواد، شغل و درآمد از عواملی هستند که در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی دارای نقش دارند.

از دیدگاه جسر، دنووان و کاستا^۲ (۱۹۹۱) رفتار سوء مصرف مواد به عنوان رفتاری آموخته شده نتیجه تعامل بین عوامل فردی و بین فردی است. بنا بر نظر وی، وقتی یک نوجوان با ویژگی‌هایی همچون عزت نفس پائین، احساس طرد، منبع کنترل بیرونی و نگرش‌های مثبت نسبت به مواد در تعامل با موقعیت‌ها و افرادی قرار دارد که ترغیب‌کننده یا تصدیق‌کننده مصرف مواد هستند، بیشتر در معرض سوء مصرف مواد قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، رفتار سوء مصرف مواد به عنوان یک رفتار کنشی که نتیجه تعامل بین عوامل فردی

و بین فردی است، تبیین و مفهوم‌سازی می‌شود. ویلز^۱ و همکاران (به نقل از طارمیان، ۱۳۷۸) نشان دادند که عوامل استرس‌زای فردی و اجتماعی می‌تواند نوجوان را مستعد مصرف مواد غیرمجاز نماید. هاوکینز و ویس^۲ (۱۹۸۵) تاکید می‌کنند که علت گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر ضعف مهارت‌های فردی و بین فردی از جمله اعتماد به نفس پائین، عدم جرات‌ورزی، آشفتگی هیجانی، مهارت‌های ضعیف در مقابله موفق و تعاملات اجتماعی باعث حرکت تدریجی نوجوان به سمت مصرف مواد مخدر می‌شود. بدین ترتیب، تمرکز بر نقش عوامل فردی و اجتماعی در رفتار سوء مصرف مواد مخدر مبنای شکل‌گیری بعضی از برنامه‌های پیشگیری قرار گرفت که هدف اولیه این برنامه‌ها رشد شخصی و اجتماعی نوجوانان بود. فرض اساسی چنین برنامه‌هایی این بود که نقص در رشد و شکوفایی ویژگی‌ها و قابلیت‌های فردی و اجتماعی، نوجوان را در برخورداری از یک تعامل موفق و مطلوب باز می‌دارد و مانع تحقق اهداف و تامین نیازهای او به طور طبیعی و منطقی می‌شود. ناکامی در این زمینه در مواردی می‌تواند منجر به جلب گرایش و رشد نگرش مساعد نوجوان به عواملی همچون مصرف مواد مخدر شود. شدلر و بلاک^۳ (۱۹۹۰) نیز معتقدند که در موارد بسیاری مواد مخدر برای نوجوانان نقش ابزاری دارد. یعنی نوجوان با مصرف این مواد می‌خواهد اضطراب خود را کاهش دهد، اعتماد به نفس خود را بالا ببرد و در موقعیت‌های اجتماعی خود را خونسردتر و آرام‌تر نشان دهد. کاتز^۴ (به نقل از کریمی، ۱۳۷۹) نیز بیان می‌کند که یک فرد نسبت به اشیائی نگرش مثبت پیدا می‌کند که در برآوردن نیازهای او و یا در جلوگیری از رویدادهای منفی برای وی موثر باشد. از این رو، بعید نیست نوجوانی که در معرض موقعیت‌های اجتماعی دشوار قرار می‌گیرد نسبت به مواد مخدر به منزله راهی برای مقابله با مشکلات و احساسات منفی گرایش مثبت پیدا نماید. بر این مبنای برنامه‌هایی تحت عنوان آموزش مهارت‌های مقابله‌ای یا مهارت‌های زندگی با تاکید بر رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی پا به عرصه وجود گذاشت که توانست نقش بسزایی در تحکیم و تقویت مداخلات پیشگیرانه در برابر سوء مصرف مواد ایفاء نماید (کاپلان، مارتین و رابینز^۵، به نقل

1. Wills
2. Hawkins & Weiss
3. Shedler & Block

4. Katz
5. Kaplan, Martin, & Robbins

از طارمیان، ۱۳۷۸). بخشی از تاثیر برنامه‌های آموزش مهارت‌های مقابله‌ای در پیشگیری از سوء مصرف مواد به واسطه تاثیر این برنامه‌ها بر باورها و نگرش‌های مربوط به مواد بوده است (باتوین^۱، ۲۰۰۰). داشتن نگرش مثبت یا منفی نسبت به مواد نقش مهمی در زمان شروع مصرف مواد ایفا می‌کند. هاوکینز، کاتالانو و میلر^۲ (۱۹۹۲) بر این نکته تاکید دارند که شروع مصرف هر نوع ماده متعاقب باورها و احساسات مثبت در رابطه با مصرف آن ماده روی می‌دهد. آجزن و فیش بین (۱۹۸۰) تصمیم نوجوان برای مصرف مواد را تحت تاثیر نگرش وی در مورد مصرف مواد عنوان نموده‌اند. اوتینگ و بیوویس (۱۹۸۷) نیز از نگرش - ها و باورهای نوجوان در مورد رفتارهای انحرافی و بالاحص مصرف مواد به عنوان متغیر مهمی در سوء مصرف مواد یاد کرده‌اند.

مروری بر پژوهش‌های انجام شده پیرامون نگرش و اعتیاد

رحیمیان بوگر، طباطبایی و طوسی (۱۳۹۳) در پژوهشی نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و پیامدهای آن را بررسی کرده‌اند. این محققان نقش صفات شخصیت و عوامل جمعیت شناختی را در نگرش نسبت به سوء مصرف مواد مد نظر قرار داده‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که بین روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، گشودگی، توافق پذیری، مسئولیت پذیری و درآمد با نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و خطرات آن رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، جنسیت، سطح تحصیلات و سن رابطه معناداری با نگرش به خطرات سوء مصرف مواد داشتند. از طرفی، توافق‌پذیری، روان‌رنجورخویی، مسئولیت‌پذیری، گشودگی و درآمد نقش معناداری در پیش‌بینی تمایل به سوء مصرف مواد داشتند. به علاوه، مسئولیت‌پذیری، گشودگی، روان‌رنجور خویی، جنسیت، توافق‌پذیری، سطح تحصیلات و سن نقش معناداری در پیش‌بینی خطرات سوء مصرف مواد داشتند. این محققان در نهایت نتیجه گرفتند که صفات شخصیتی و عوامل جمعیت شناختی نقش مهمی در گرایش به سوء مصرف مواد و خطرات ادراک شده آن دارند. به منظور پیشگیری اولیه از سوء مصرف مواد توجه به این عوامل در تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیرانه طی کارآزمایی‌های بالینی ضروری است.

نوبخت (۱۳۹۴) در پژوهشی نگرش دانشجویان به سوء مصرف موادمخدر را تحت تاثیر عوامل متعدد اجتماعی و خانوادگی مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش مذکور سعی شده است سهم هر کدام از عوامل بر شکل گیری نگرش دانشجویان مورد شناسایی قرار گیرد. نتایج به دست آمده گویای آن است که بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و نگرش به موادمخدر رابطه معناداری وجود ندارد. ولی مصرف مواد توسط اعضای خانواده و دوستان و همچنین نوع برخورد اعضای خانواده و دوستان با موادمخدر بر نگرش دانشجویان به مواد اعتیادآور موثر است طبق نظر ساترلند این بدان معناست که رفتارهای انحرافی، بیشتر از طریق نزدیکان و خانواده منتقل می شود.

طبق تحقیق زاهدی اصل و لطفی (۱۳۹۱) اعتیاد به موادمخدر یک پدیده چند وجهی است که عوامل متعددی در گرایش افراد به آن تاثیر گذارند. این محققان از ضعف در نگرش ها به عنوان عوامل اصلی گرایش به موادمخدر یاد کرده اند. نتایج به دست آمده از پژوهش آنان حاکی از آن بود که عوامل توانمندی خانواده، نوع برخورد اعضای خانواده با مواد، نوع برخورد دوستان با مواد، مصرف مواد توسط اعضای خانواده و مصرف مواد توسط دوستان بر شکل دهی نگرش جوانان به مواد موثر است. نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیون نیز مشخص کرد که گروه دوستان بیشتر از گروه خانواده در شکل دهی به نوع نگرش جوانان به مواد اعتیادآور تاثیر گذار است.

نتایج تحقیق رحمتی و اعتمادی (۱۳۸۵) با هدف بررسی تاثیر آموزش مهارت های مقابله ای به روش بحث گروهی بر نگرش دانش آموزان نشان داد که آموزش مهارت های مقابله ای به روش بحث گروهی، اولاً، بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف موادمخدر تاثیر داشته است و باعث تغییر نگرش آن ها شده است و ثانیاً، نگرش آنان را نسبت به سوء مصرف موادمخدر را منفی تر کرده است.

دلاور، رضایی و علیزاده (۱۳۸۸) در پژوهش خود رابطه مولفه های خانوادگی را با نگرش به موادمخدر مورد بررسی قرار داده اند. نتایج این پژوهش نشان داد که:

۱. دانش آموزانی که یکی یا هر دو والدین آن ها از مواد استفاده می کردند، نسبت به دانش آموزانی که والدین آن ها مصرف کننده مواد نبودند، نگرش مثبت تری به موادمخدر نشان

دادند. لازم به ذکر است بر اساس این پژوهش، مصرف مواد توسط والدین هم در مصرف مواد توسط فرزندان و هم در شکل گیری نگرش مثبت فرزندان به موادمخدر نقش با اهمیتی دارد. لذا می توان اذعان داشت که مصرف مواد توسط والدین در ابتدا نگرش فرزندان به موادمخدر را تحت تاثیر قرار می دهد و سپس نگرش به عنوان یک متغیر میانجی وارد عمل شده و مصرف مواد توسط فرزندان را تسهیل می بخشد.

۲. ممانعت والدین در مقابل مصرف موادمخدر توسط فرزندان و کنترل کردن آن ها به عنوان سدی در مقابل شکل گیری نگرش مثبت فرزندان به موادمخدر (اثرات، مصرف و خطرات) عمل می کند و عدم کنترل فرزندان و آزاد گذاشتن آن ها موجب تسهیل شکل گیری نگرش مثبت فرزندان به موادمخدر شده است.

۳. بین احساس ناامنی در کانون خانواده و نگرش به موادمخدر (اثرات، مصرف و خطرات) رابطه مثبتی وجود دارد. یعنی با افزایش احساس ناامنی در کانون خانواده، نگرش دانش - آموزان به موادمخدر مثبت تر می شود. ناامنی، تنش، اختلافات و خشونت های خانوادگی زمینه ساز اغلب اختلالات و ناهنجاری ها از جمله سوء مصرف موادمخدر و اعتیاد می - باشند.

۴. با افزایش تحصیلات والدین، تصورات غیر واقعی فرزندان در مورد خطرات موادمخدر کاهش می یابد. علاوه بر آن، با افزایش تحصیلات پدر، نگرش فرزندان نسبت به اثرات مثبت فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی موادمخدر منفی تر می شود. در حالی که، کاهش یا افزایش تحصیلات مادر تاثیری بر نگرش فرزندان نسبت به مصرف و اثرات موادمخدر نداشته است.

۵. با افزایش میزان درآمد خانواده، نگرش دانش آموزان نسبت به اثرات فیزیولوژیکی، روانی و اجتماعی موادمخدر منفی تر می شود. برخی مطالعات قبلی نیز فقر را عامل موثری در گرایش به موادمخدر ذکر کرده و نشان داده اند که فقر و بیکاری فرزندان را به سوی آسیب های اجتماعی از جمله اعتیاد سوق می دهد. همچنین، با افزایش تعداد افراد خانواده، نگرش فرزندان به موادمخدر (اثرات، مصرف و خطرات) مثبت تر می شود.

پژوهشی توسط بحرینی بروجنی، قائد امینی هارونی، سعیدزاده و سپهری بروجنی (۱۳۹۳) در خصوص بررسی اثربخشی روش‌های آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد بر تغییر نگرش نسبت به اعتیاد و موادمخدر در دانش‌آموزان پسر مقطع متوسطه انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان داد که روش شرکت حضوری در کلاس‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و روش آموزش از طریق فیلم تاثیر معناداری بر تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به موادمخدر و اعتیاد دارد.

نتایج تحقیق حاجلی و همکاران (۱۳۸۹) که با هدف بررسی نگرش مردم کشور به سوء مصرف موادمخدر انجام شده بود، نشان داد که باورهای مذهبی، خانواده و انسجام خانوادگی مهم‌ترین عوامل در نگرش منفی به مصرف موادمخدر هستند. بنابراین، تقویت باورهای مذهبی و انسجام خانواده‌ها می‌تواند سد محکمی در برابر نگرش مثبت به سوء مصرف موادمخدر باشد.

خدایاری، یونسی و فیضی برناجی (۱۳۹۵) نقش انسجام خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی، دلبستگی به همسالان و حمایت اجتماعی را بر نگرش افراد نسبت به اعتیاد به موادمخدر مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از تاثیر عوامل خانوادگی، ویژگی‌های شخصیتی، دلبستگی به همسالان و حمایت‌های اجتماعی بر نگرش افراد نسبت به موادمخدر بود. حمایت اجتماعی بیشترین تاثیر غیرمستقیم را بر نگرش نسبت به اعتیاد به موادمخدر داشته است. این مطلب بیانگر آن است که حمایت اجتماعی نقش میانجی‌گری موثری را ایفا می‌کند و با ایجاد و افزایش آن در جامعه دانشگاهیان می‌توان به مراتب از خطر نگرش مثبت نسبت به موادمخدر کاست. همچنین، اثرگذارترین مسیر از انسجام خانوادگی شروع شده و با میانجی‌گری حمایت اجتماعی به نگرش نسبت به اعتیاد به موادمخدر می‌رسد و بیشترین تاثیر را بر نگرش نسبت به اعتیاد به موادمخدر می‌گذارد.

رحیمی موقر، سهیمی ایزدیان، رادگودرزی و محمدی (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان نگرش وابستگان به مواد افیونی و خانواده‌های آنان در مورد تاثیر اعتیاد بر صدمات ناشی از زلزله بم به این نتیجه رسیدند که الگوی غالب مصرف مواد در اکثر آنان تریاک و به صورت تدخینی بوده است. به نظر بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان وابسته به مواد

افیونی، اعتیادشان باعث کاهش صدمات ناشی از زلزله شده بود و حدود یک سوم آنان اعتیاد را عامل افزایش دهنده صدمات می‌دانستند. به نظر نیمی از اعضای خانواده، اعتیاد نقشی در میزان آسیب‌ها و صدمات نداشته و از نظر نیمی دیگر، اعتیاد باعث افزایش آسیب‌ها و صدمات شده است. این محققان نتیجه گرفتند که نگرش مثبت و یا حتی خنثی به استفاده از مواد افیونی، پیش‌بینی کننده شروع و ادامه مصرف مواد است، لذا به منظور پیشگیری و کنترل آن، پیش‌بینی مداخلاتی که بتواند بر نگرش افراد تأثیر بگذارد، الزامی به نظر می‌رسد. نتایج مطالعات آقابابایی، جلالی، سعیدزاده و باقری (۱۳۹۱) بیانگر آن است که قصد افراد برای سوء مصرف موادمخدر دست کم در دفعات اولیه مصرف تحت تأثیر نگرش آنان به سوء مصرف مواد قرار داد. از یک سو شکل‌گیری نگرش مثبت یا منفی ناشی از ترکیب دانش، اطلاعات، باورها و عواطف نوجوانان دربارهٔ موادمخدر است و از سوی دیگر، میزان ارزشمندی که آن‌ها برای مواد قائل هستند، نحوه نگرش آن‌ها نسبت به مواد را تشکیل می‌دهد. موضوع نگرش افراد در بسیاری از مباحث روان‌شناسی از جمله روان‌شناسی اجتماعی مورد نظر بوده است (خلیلی صدرآباد، چاووش زاده، رادمش و افخمی اردکانی، ۱۳۸۹).

نتایج پژوهش خلیلی صدرآباد و همکاران (۱۳۸۹) تحت عنوان اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف موادمخدر و کاهش آسیب‌پذیری نسبت به اعتیاد نشان داد که تفاوت معناداری بین گروه آزمایش و گواه در نمره کلی نگرش و حیطه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و عمومی نسبت به موادمخدر و خرده‌مقیاس‌های آزمون اعتیادپذیری وجود دارد. بنابراین، آموزش رفتارهای سالم موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد و کاهش سطح اعتیادپذیری می‌شود.

نتایج پژوهش سهرابی اسمرود، هادیان، دائمی و اصغر نژاد فرید (۱۳۸۷) تحت عنوان اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد نشان داد که برنامه آموزشی «ساخت رفتارهای سالم» موجب تقویت نگرش منفی نسبت به سوء مصرف مواد می‌شود. تغییر نگرش منفی در سه حیطه شناختی، عاطفی و آمادگی برای عمل معنادار بوده است. مقادیر ضرایب تعیین نشان داد که آموزش «ساخت رفتارهای سالم»

بیشترین تاثیر را در حیطه نگرش شناختی داشته است. نتایج نشان داد که اجرای این برنامه آموزشی به شناسایی رفتارهای پرخطر به منظور پیشگیری از سوء مصرف مواد در دانشجویان توصیه می شود.

نتایج پژوهش حاجبی، فریدنیا و ظریف (۱۳۸۸) تحت عنوان بررسی اثربخشی آموزش بر آگاهی و نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در کارکنان شرکت های پتروشیمی منطقه پارس جنوبی نشان داد که آموزش بر آگاهی و نگرش کارکنان نسبت به سوء مصرف مواد تاثیر دارد و این تاثیر روی کارکنان با تحصیلات دیپلم بیشتر از سایر گروه های تحصیلی بود. از طرفی نتایج نشان داد که تفاوت تاثیر آموزش در میزان آگاهی و چگونگی نگرش افراد نسبت به پدیده سوء مصرف مواد، بعد از آموزش در کارکنان با وضعیت شغلی "عادی کار" نسبت به "اقماری کار" معنادار بود. یکی از رویکردهای عمده پیشگیری از اعتیاد، کاهش میزان تقاضا است، بنابراین آگاه کردن اقشار و گروه های مختلف مردم از خطرات و مضرات مصرف مواد و همچنین آگاهی آن ها از اثرات نامطلوب مواد بر سلامت جسمی، روانی، کارکرد شغلی، اجتماعی و خانوادگی می تواند راهکار اجرایی مؤثری در سطوح مختلف پیشگیری از اعتیاد باشد. اگر افراد از این اطلاعات مطلع باشند و آن ها را باور کنند، احتمال کمتری دارد که به مصرف مواد اقدام نمایند.

نتایج پژوهش پارسیان، هاشمیان، ابوالمعالی و میرهاشمی (۱۳۹۴) تحت عنوان پیش بینی نگرش به مصرف موادمخدر در نوجوانان بر اساس عوامل خطر ساز تربیتی خانوادگی به منظور سلامت روانی نوجوانان در جامعه نشان داد که مولفه های سبک های فرزند پروری و مولفه مهارت حل مسئله اجتماعی ناسازگارانه بر نگرش به مصرف موادمخدر دارای رابطه معنادار می باشند.

نتایج پژوهش فرهودیان و همکاران (۱۳۸۷) تحت عنوان بررسی دانش و نگرش گروهی از ارامنه تهران در مورد اعتیاد و مصرف مواد نشان داد که شرکت کنندگان، ناامیدی، مشکلات روان شناختی، دسترسی به مواد و معاشرت با افراد معتاد را عوامل مهم در شروع مصرف دانستند و اکثر آن ها وسوسه زیاد، فقدان حمایت کافی خانواده و تداوم ارتباط با مصرف کنندگان را مهم ترین عوامل عود در افراد درمان شده ذکر کردند، و از پیگیری

درمان و مشاوره با مراکز بازتوانی به عنوان مهم ترین عوامل جلوگیری کننده از عود در معتادان درمان شده نام بردند. اکثر شرکت کنندگان در مورد مواد موجود و نیز خطرات ناشی از آن در جامعه اطلاعات قابل قبولی داشتند. با توجه به میزان شیوع اعتیاد در میان اقلیت های دینی، ضروری به نظر می رسد که روان شناسان و مشاوران مدارس با توجه به ویژگی های فرهنگی این گروه، در طول دوره تحصیل نوجوانانشان در مورد اعتیاد و موادمخدر به آنان آموزش بدهند تا از همان زمان دانش بیشتر و نگرش صحیح تری نسبت به آن پیدا کنند.

نتایج پژوهش عبدالله پورچناری و گلزاری (۱۳۸۷) با عنوان اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف موادمخدر نشان داد که بین نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف مواد (از نظر شناخت، عاطفه و رفتار) و اعتیاد قبل و بعد از آموزش مهارت های زندگی تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، نگرش نسبت به سوء مصرف مواد با آموزش مهارت های زندگی به نوجوانان پسر تغییر می کند.

نتایج تحقیق میراحمدی زاده، نقشواریان، مقدمی، همتی و پارساپور (۱۳۸۹) تحت عنوان تاثیر آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد بر آگاهی و نگرش سربازان نشان داد که آموزش پیشگیری از اعتیاد به طور معنی داری باعث افزایش آگاهی و بهبود نگرش سربازان شد. آموزش های پیشگیری از اعتیاد در محیط های نظامی نه تنها افزایش آگاهی و بهبود نگرش را به دنبال دارد، بلکه باعث ارتقای عملکرد افراد نیز می شود.

نتایج پژوهش مرادی، قربانی و رادبخش (۱۳۹۷) تحت عنوان نگرش به موادمخدر و برخی عوامل مرتبط با آن در دانش آموزان پسر دبیرستانی سمنان نشان داد که بیش از یک چهارم این دانش آموزان نگرش متوسطی به موادمخدر دارند که در معرض خطر هستند. این افراد از فرزندان خانواده های با تحصیلات و درآمدهای مختلف می باشند. ضروری است برنامه هایی جهت توانمندسازی خانواده ها تدوین شود تا والدین نحوه ارتباط صحیح با فرزندان را آموزش دیده و جو عاطفی خانواده را افزایش دهند و با ارتباط دوستانه آنها را

از خطرات اعتیاد منع کنند. این مساله می تواند درصد دانش آموزان در معرض خطر نگرش مثبت را کاهش و از آسیب به جامعه جلوگیری کند.

نتایج پژوهش رفیعی و علی پور (۱۳۹۳) تحت عنوان نگرش دانشجویان کشور به مواد اعتیادآور در سال ۱۳۹۰ نشان داد که میانگین نمره نگرش کل دانشجویان پسر به اعتیاد بیشتر از دانشجویان دختر بود. میانگین نمرات نگرش کل و خرده مقیاس های «تمایل به مواد» و «باور غلط به شیوع بالای مواد» در افراد مجرد بالاتر از افراد متأهل بود. ولی در خرده مقیاس های «عدم مشارکت فعال در برنامه های پیشگیری و درمان» و «عدم برخورد فعال با اعتیاد» این تفاوت ها از نظر آماری معنادار نبودند. در اکثر خرده مقیاس های نگرش به مواد، میانگین نمرات نگرش در دانشجویان ساکن منزل دانشجویی بیشتر از دانشجویان ساکن در مسکن شخصی و خوابگاه ها بود ولی این تفاوت برای خرده مقیاس «عدم برخورد فعال با اعتیاد» از نظر آماری معنادار نبود. به نظر می رسد عواملی مانند پیوندهای اجتماعی و منابع کنترل درونی و بیرونی، دسترسی به هنجارهای مؤید مصرف مواد، زندگی در کانون گرم خانواده و سرپرستی و نظارت مناسب خانواده بر امور دانشجویان می تواند در شکل دهی و اصلاح نگرش به مواد نقش داشته باشد.

رضایی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به ساخت و اعتباریابی پرسشنامه نگرش سنج مواد مخدر در دانش آموزان سال سوم راهنمایی و مقطع متوسطه کشور پرداختند. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که پنج عامل وجود دارد. این عوامل با توجه به مبانی نظری تحقیق و محتوای سوالات تحت عناوین علاقه به مصرف، نگرش به خطرات، نگرش به اثرات فیزیولوژیکی، نگرش به اثرات روانی و نگرش به اثرات اجتماعی مواد مخدر نام گذاری شد. پایایی مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برآورد گردید. در کل، ضرایب اعتبار و پایایی به دست آمده بسیار رضایت بخش بود. طبق نتایج این تحقیق، پرسش نامه نگرش سنج مواد مخدر واجد شرایط لازم برای تشخیص نگرش به مواد مخدر در بین دانش آموزان سال سوم راهنمایی و مقطع متوسطه ایران می باشد.

لطفی و آیار (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی تأثیرات برنامه های پیشگیرانه آموزشی بر تغییر نگرش و مصرف مواد مخدر پرداختند. به عبارت دیگر، آنان تلاش کردند تا به این

پرسش پاسخ دهند که آیا انجام برنامه‌های پیشگیرانه آموزشی می‌تواند نگرش دانش‌آموزان نوجوان را نسبت به مصرف مواد تغییر دهند و نهایتاً مصرف مواد مخدر کاهش یابد یا نه؟ نتایج این پژوهش نشان داد که برنامه‌های آموزشی به میزان قابل توجهی بر تغییر نگرش دانش‌آموزان، افزایش آگاهی‌های آنان و کاهش آمادگی برای مصرف مواد تاثیر داشته است.

پاسکال، لوئیس و اسلای^۱ (۲۰۰۷) با مطالعه در گروهی از اقلیت‌ها نشان دادند که نگرش والدین به مصرف یک ماده با مصرف همان ماده در فرزندان ارتباط دارد. همچنین، مطالعه ویوم، تورشیم و ولد^۲ (۲۰۰۶) در مورد علل مصرف سیگار در نوجوانان نروژی نشان داد که نگرش و عرف خانواده ارتباط نزدیکی با مصرف سیگار در نوجوانان دارد. آگراوال، لینسکی، باچولز، مادن و هلت^۳ (۲۰۰۷) نشان دادند که گروه همسالان یکی از عوامل مهم در شروع مصرف سیگار، الکل و حشیش در نوجوانان است.

در مقایسه‌ای که بلوم^۴ بین خانواده‌های معتاد و غیرمعتاد انجام داد، موارد زیر را در خانواده‌های معتاد مشاهده کرد:

- بین خانواده انسجام کمتری وجود داشت.
- نسبت به مسائل کودکان و نوجوانان نظارت و سخت‌گیری لازم وجود نداشت.
- کودکان از آزادی بیش از حد برخوردار بودند.
- اعتقادات مذهبی و پایبندی به سنت‌های خانوادگی در آن‌ها کمتر دیده می‌شد.
- در تعلیم و تربیت کودکان توجه چندانی به عمل نمی‌آمد.

بلوم اضافه می‌کند که اگر خانواده در برابر مواد مخدر، عقاید و نگرش‌های آزادانه‌تری داشته باشند، بی‌گمان نوجوانان چنین خانواده‌هایی همان راه را پیموده و به سادگی به مواد مخدر گرایش پیدا می‌کنند. علاوه بر این، دوستانی را بر می‌گزینند که تمایل به مصرف مواد مخدر دارند (به نقل از صالحی، ۱۳۷۱). همچنین، پژوهش بارنز و ویلت^۵ (۱۹۸۴) نشان داد که نه

1. Paschal, Lewis & Sly
2. Wiium, Torsheim & Wold
3. Agrawal, Lynskey, Bucholz, Madden & Heath

4. Bloom
5. Barnes & Welte

تنها مصرف مواد توسط والدین، بلکه نگرش‌های آنان نسبت به مصرف مواد نیز در این بین نقش مهمی ایفا می‌کند. والدینی که در مقابل مصرف مواد از خود تمایل نشان می‌دهند، بیشتر احتمال دارد فرزندان داشته باشند که مصرف کننده مواد باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

اعتیاد به موادمخدر یک پدیده چندوجهی است و عوامل متعددی در گرایش افراد به آن تاثیر دارند. بر این اساس، از ضعف در نگرش‌ها به عنوان عوامل اصلی گرایش به موادمخدر یاد می‌شود. نتایج به دست آمده از برخی پژوهش‌ها حاکی از آن است که سیستم خانواده و دوستان بر شکل‌دهی نگرش جوانان به مواد نقش موثری دارد. این موضوع تاکید بر برنامه‌های پیشگیری در راستای ارتقای توانمندی‌های خانواده و بهبود روابط و ارتباط متقابل دو گروه خانواده و دوستان را الزامی می‌سازد. می‌توان مطرح نمود که منابع اجتماع‌پذیری (خانواده، دوستان، رسانه و مدرسه) نوع نگرش جوانان به مواد را شکل می‌دهند که اگر این منابع کارکرد مناسب خود را ایفا کنند، جوانان نگرش منفی به مواد خواهند داشت. در غیر این صورت، نگرش افراد به مواد مثبت می‌شود. در صورت کارکرد نامناسب منابع اجتماع-پذیری، جوانان به گروه همسالان مصرف کننده مواد گرایش پیدا می‌کنند و همواره این متغیر نزدیک‌ترین عامل به مصرف مواد توسط جوانان است. رابطه با دوستان مصرف کننده عامل مهم تاثیرگذار بر شکل‌دهی به نگرش مثبت جوانان به موادمخدر است.

بر اساس نتایج برخی پژوهش‌ها، آموزش از جمله آموزش مهارت‌های مقابله‌ای و مجهز کردن نوجوانان به مهارت‌های ضروری و مورد نیاز برای شناسایی و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و نیز آگاه‌سازی نوجوانان از فنون تبلیغاتی و متقاعدسازی رسانه‌ها و آماده کردن آن‌ها برای مقابله با فشارهای مستقیم و غیرمستقیم همسالان بر همبسته‌های روان‌شناختی مصرف مواد از قبیل باورها و نگرش آنان تاثیر می‌گذارد. طبق نظر لوین^۱ (به نقل از رحمتی و اعتمادی، ۱۳۸۵) تدریس به شیوه بحث گروهی برای تغییر نگرش و رفتار دانش‌آموزان از روش‌های معمول سخنرانی بهتر است. زیرا، جلسات بحث تا حد زیادی

می تواند بین نگرش ها و باورهای افراد گروه درباره یک موضوع، تقابل و حتی تعارض ایجاد کند. نتیجه این وضعیت تعدیل نگرش ها و باورهای قبلی و حتی ایجاد و تقویت باورها و نگرش های متفاوت از گذشته است.

هر چه شناخت انسان از نگرش های مثبت و منفی به مواد اعتیاد آور بیشتر باشد و برنامه های آموزشی پیشگیرانه خانواده محور، هدفمندتر، موثرتر و با ضریب اطمینان بیشتر باشد از اتلاف منابع عظیم سرمایه و امکانات تخصصی جامعه در درمان های صرفاً تقلیل گرایانه و علامت زدایانه بیشتر جلوگیری می شود. نگرش یکی از عوامل اصلی و موثر در رفتار است و در تمام کارکردهای شخصی، گروهی و اجتماعی افراد اثر ویژه ای می گذارد. شدت و ضعف هر نگرشی در کیفیت رفتار، نتایج متفاوتی به دنبال دارد. با شناخت نگرش ها، شدت و ضعف آن ها و بررسی عوامل موثر بر شکل گیری نگرش ها به مواد اعتیاد آور می توان به نتایج بهتری دست یافت و از این طریق به تصحیح رفتار پرداخت. از آنجایی که، بین احساس تنهایی و نگرش به مواد مخدر در بین دانشجویان ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد (سلیمانی، رضایی و نظری، ۱۳۹۴) توصیه می شود برنامه های جامعی به منظور پیشگیری از ایجاد احساس تنهایی و نگرش به مواد مخدر طراحی شود. این قبیل برنامه ها باید بر بهبود کیفیت و کمیت ارتباطات اجتماعی تمرکز داشته باشند و به افراد کمک کند که از اوقات خود استفاده مفیدتری داشته باشند.

به رغم استراتژی های اجباری و سخت گیرانه علیه اعتیاد، مصرف مواد به طور فزاینده ای در میان جوانان و نوجوانان افزایش یافته است. این موضوع نشان می دهد که سیاست های سخت گیرانه در ریشه کن کردن و پایان دادن به مصرف مواد مخدر کافی نیستند و ناکارآمد هستند (سیگل و سنا، ۱۳۸۲). این به خاطر آن است که برنامه های اجباری تنها بر پاک کردن منطقه از مواد مخدر و فروشندگان مواد مخدر تمرکز کرده اند و عامل اصلی را که همانا نگرش مصرف کنندگان نسبت به مصرف مواد است، نادیده گرفته شده است. با توجه به اینکه نگرش به سوء مصرف مواد مخدر تحت تاثیر عوامل متعدد اجتماعی و خانوادگی است (نویخت، ۱۳۹۴). بر این اساس، موارد زیر پیشنهاد می شود:

• در سطح خانواده، نظارت و مراقبت والدین در مورد دوستان فرزند یک ضرورت است. از این رو با آموزش خانواده‌ها از طریق خانه‌های سلامت و دعوت از کارشناسان مربوطه (همانند مددکاران اجتماعی و روان‌شناسان آموزش دیده در زمینه اعتیاد) در جهت تقویت رابطه بین این دو منبع اجتماع‌پذیری جوانان می‌توان از گرایش و پیوند فرزندان با همسالان مصرف‌کننده مواد جلوگیری کرد. با آموزش به خانواده‌ها و والدین، می‌توان اطلاعات، دانش و درک و آگاهی آنان را در ارتباط با مواد اعتیادآور افزایش داد تا به عنوان یک منبع اطلاعاتی قوی در ارائه آموزش و شکل‌دهی به نوع نگرش فرزندان به مواد اعتیادآور نقش فعال‌تری داشته باشند. همچنین با توجه به اهمیت بالای نقش همسالان در مصرف مواد باید علاوه بر روش صحیح انتخاب دوست، مقاومت در برابر فشار جمع نیز آموزش داده شود. توصیه می‌شود والدین ضمن این که خودشان الگوی رفتاری مناسبی برای فرزندان خود باشند، در خصوص روابط آنان با همسالان نیز نظارت لازم را داشته باشند.

• در سطح دانشگاه‌ها و مدارس، برگزاری جلسات آموزشی گروهی با موضوع آشنایی با انواع موادمخدر و عوارض مصرف آن‌ها، برگزاری همایش‌ها و سمینارهای علمی با موضوع اعتیاد، دوره‌های آموزشی مهارت‌های زندگی، تهیه بروشورها، جزوات آموزشی کوتاه، تهیه و نصب پوسترهای آموزشی و اطلاع‌رسانی، ایجاد مراکز مشاوره، برنامه‌ریزی برای پر کردن اوقات فراغت، آموزش در زمینه خودآگاهی، مهارت‌های بین‌فردی، مهارت تصمیم‌گیری، تقویت و پرورش مهارت‌های اجتماعی، آموزش نه گفتن و جرات‌ورزی، عزت نفس و کمک به رشد توانایی‌ها از گرایش به مصرف مواد جلوگیری می‌کند.

• با اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی و آموزش به افراد جامعه در ارتباط با عوارض و خطرات مصرف هر کدام از مواد و مقابله با باورهای غلط شایع در ارتباط با هر ماده، بعد شناختی افراد به مواد تغییر یافته و منفی می‌شود. با تغییر بعد شناختی در ارتباط با موادمخدر، بعد احساسی و آمادگی برای عمل در افراد نیز تغییر می‌کند و در نهایت می‌تواند منجر به نگرش منفی نسبت به موادمخدر شود.

• رفع ضعف‌های ساختاری جامعه همچون شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیز حائز اهمیت است. با فراهم نمودن بسترهای مناسب برای ایجاد شغل، ایجاد و نشاط در نوجوانان و جوانان، فراهم نمودن شرایطی برای آموزش عمومی می‌توان از گرایش و نگرش مثبت به مواد اعتیادآور کاست. همچنین تقویت باورهای مذهبی و انسجام خانواده‌ها می‌تواند سد محکمی در برابر نگرش مثبت به سوء مصرف موادمخدر باشد. به نظر می‌رسد که استفاده از روش انضباطی ساختارمند، مقتدرانه و با ثبات توسط والدین سودمند باشد. اما، فنون استبدادی و مبتنی بر ابراز قدرت و همچنین روش سهل‌گیرانه زیان بار است.

• بین احساس ناامنی و نگرش به موادمخدر رابطه مثبتی وجود دارد. بنابراین احساس امنیت فردی و اجتماعی از جنبه‌های مختلف می‌تواند مانع از نگرش مثبت به مصرف مواد-مخدر شود. پیشنهاد می‌شود، علاوه بر آموزش‌های لازم به خانواده‌ها جهت تقویت دلبستگی، محبت و پیوند مشترک اعضای خانواده با همدیگر با شناسایی دانش‌آموزان چنین خانواده‌هایی، برنامه‌های لازم برای مقاوم سازی آن‌ها صورت گیرد و به امنیت اجتماعی نیز توجه شود.

• می‌توان گفت متغیر تحصیلات والدین از طریق افزایش تفاهم و دلبستگی متقابل اعضای خانواده، میزان پناه بردن فرزندان به روابط بیرون خانه را کاهش داده و از این طریق از آشنایی آنان با مصرف کنندگان مواد و شکل‌گیری نگرش مثبت به موادمخدر ممانعت به عمل می‌آید. علاوه بر این، والدین با تحصیلات بالا خطرات موادمخدر را به فرزندان خود گوشزد نموده و از این طریق تصورات غیر واقعی آن‌ها را در مورد بی‌خطر بودن و یا کم‌خطر بودن موادمخدر کاهش داده و آن‌ها را با عوارض واقعی این مواد و تاثیرات منفی آن‌ها آشنا می‌سازند. بدین ترتیب از طریق همین اقدامات، فرزندان را در مقابل القانات دیگران واکسینه می‌کنند و از شکل‌گیری نگرش مثبت در آن‌ها جلوگیری می‌کنند. لازم به توضیح است که در این خصوص، فرزندان بیشتر تحت تاثیر پدران خود بوده‌اند و این خود بیانگر وظیفه خطیر پدران برای تربیت صحیح فرزندان و اختصاص زمان بیشتر برای آنان می‌باشد..

• با افزایش تعداد افراد خانواده، ممکن است نگرش فرزندان به مواد مخدر (اثرات، مصرف و خطرات) مثبت تر شود. شاید به این علت که با افزایش تعداد فرزندان کنترل آن‌ها سخت تر شده و میزان درگیری‌های کلامی و حتی فیزیکی، خشونت، دل خوری، ضایع کردن حق همدیگر، بی‌عدالتی و مسائلی از این قبیل افزایش می‌یابد که در نتیجه این موارد، کانون خانواده ناامن شده و ناامنی به عنوان پیامد افزایش تعداد افراد خانواده و دشواری تربیت و کنترل آن‌ها موجب می‌شود که فرزندان برای گریز از ناملایمات زندگی خانوادگی به مواد مخدر برای تسکین آلام خود پناه ببرند. علاوه بر آن، ناامنی در کانون خانواده از طریق مکانیسم دیگری نیز می‌تواند موجب گرایش فرزندان به مواد مخدر شود. به این صورت که، فرزندان برای تامین محبت به روابط بیرون از خانه پناه برده و با دوستان معتاد آشنا می‌شوند و همین امر گرایش آن‌ها به مواد مخدر را تسهیل می‌کند.

• می‌توان گفت که سوء مصرف مواد پدیده‌ای اجتماعی با ابعاد بهداشتی، فرهنگی و اقتصادی است که بخش عظیمی از نیروی انسانی بسیاری از کشورها را درگیر کرده است. پیشگیری از این مشکل اجتماعی که با توجه به حساسیت جامعه و اولویت آن باید سرلوحه سیاست‌های اجتماعی قرار گیرد، مستلزم شناخت وضع موجود و نیز عوامل خطر و محافظ آن است. نگرش افراد به مواد یکی از عواملی است که هم می‌تواند در شناخت وضع اعتیاد در گروه‌های مختلف جمعیتی به سیاست‌گذاران اجتماعی کمک کند و هم می‌تواند به منزله یکی از تعیین‌کننده‌های گرایش به سوء مصرف مواد مطالعه و کنترل شود.

در مطالعاتی که در جامعه جهانی صورت گرفته است حجم و دایره آسیب‌های اجتماعی افق وسیع‌تری را به خود می‌گیرد. سه نظام اجتماعی که در تیررس این آسیب‌ها قرار گرفته‌اند شامل اولین نهاد خانواده، دومین نهاد مدارس، دانشگاه‌ها و محیط آموزشی و سومین نهاد محله‌های شهری و روستایی است. راس آسیب‌های اجتماعی را یک مثلث سه ضلعی شامل اعتیاد به مواد مخدر، مشروبات الکلی و مباحث سوء اخلاقی و روابط سوء جنسی است. دشمنان برای ترویج این سه آسیب جدی از ابزارهایی همچون برخی شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای قابل دسترس در سطح کشور استفاده می‌کنند. باید به صورتی عمل کرد که نوجوانان و جوانان در سلسله آموزش‌های ارتقاء توانمندی اجتماعی

و روانی نگرشی منفی نسبت به مواد پیدا کنند. دو موضوع تربیت و آموزش باید ادغام شده در هم عمل کنند تا بتوانند ضمن تربیت نیروی انسانی، آموزش نیروی انسانی را هم به دنبال داشته باشد. در بسیاری از کشورهای جهان به این نتیجه رسیده‌اند که فعالیت‌های دولتی نمی‌تواند بحث مبارزه موادمخدر را به موفقیت برساند اما اگر آحاد جامعه در این زمینه فعالیت کنند زمینه کنترل آسیب ایجاد خواهد شد. باید بتوان حس اجتماعی را در دانش-آموزان تحریک کرد که آن‌ها وارد عرصه پیشگیری از اعتیاد شوند (صرامی، ۱۳۹۵ به نقل از سایت ستاد مبارزه با موادمخدر).

مروری بر پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نتایج اکثریت این پژوهش‌ها در نهایت به مساله آموزش در ابعاد مختلف فردی، گروهی و در سطوح مختلف سازمانی اعم از خانواده، مدرسه، دانشگاه و محیط کار جهت تغییر و تصحیح نگرش افراد می‌رسند. اما واقعیت آن است که اگر تک تک افراد جامعه احساس مسولیت نکنند و وارد عمل نشوند تمام این آموزش‌ها اگر چه مفید خواهند بود اما کافی نخواهند بود و این موضوع یعنی رسیدن به رویکرد اجتماعی شدن در امر مبارزه با موادمخدر که باید بیش از گذشته مورد توجه قرار بگیرد.

منابع

اکبری، بهمن و عمویور، مسعود (۱۳۸۹). رابطه افسردگی با نگرش به سوء مصرف موادمخدر در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهرستان رشت. *فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، (۲)، ۱-۲۰، ۷.

آقابابایی، عزیزاله؛ جلالی، داریوش؛ سعیدزاده، حمیدرضا و باقری، سهیلا (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی چهار روش پیشگیری از سوء مصرف موادمخدر بر نگرش و عزت نفس دانش‌آموزان مجتمع‌های فرهنگی، تربیتی و خوابگاهی کمیته امداد امام خمینی (ره). *فصلنامه اعتیادپژوهی سوء مصرف مواد*، (۲۱)، ۶-۴۶، ۳۱.

بارون، رابرت؛ بیرن، دان و برنسکامپ، نایلا. (۱۳۸۸). *روانشناسی اجتماعی*. ترجمه یوسف کریمی، تهران، نشر دوران.

بحرینی بروجنی، مجید؛ قائد امینی هارونی، غلامرضا؛ سعیدزاده، حمیدرضا و سپهری بروجنی، کبری (۱۳۹۳). بررسی اثربخشی چهار روش آموزش پیشگیری از سوء مصرف مواد بر تغییر نگرش نسبت

به اعتیاد و موادمخدر در دانش آموزان پس مقطع متوسطه. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، ۲(۱۶)، ۵۱-۴۳.

بشیریان، سعید؛ حیدرنیا، علی رضا؛ اله وردی پور، حمید و حاجی زاده، ابراهیم (۱۳۹۱). بررسی رابطه خودکنترلی با تمایل نوجوانان به مصرف موادمخدر. فصلنامه دانشکده پرستاری و مامایی همدان، ۲(۱)، ۴۵-۵۵.

پارسیان، منیره؛ هاشمیان، کیانوش؛ ابوالمعالی، خدیجه و میرهاشمی، مالک (۱۳۹۴). پیش بینی نگرش به مصرف موادمخدر در نوجوانان بر اساس عوامل خطر ساز تربیتی خانوادگی به منظور سلامت روانی نوجوانان در جامعه: طراحی مدلی برای پیشگیری از اعتیاد. مجله دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، ۱۵ (۲)، ۲۰۶-۱۹۸.

جباری بیرامی، حسین؛ بخشیان، فریبا؛ وحیدی، رضا قلی و محمد پور اصل، اصغر (۱۳۸۷). نگرش و رفتارهای پر خطر دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان تبریز در ارتباط با مواد مخدر. فصلنامه روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران، ۱۴(۳)، ۳۵۴-۳۵۰.

جزایری، علیرضا؛ رفیعی، حسن و نظری، محمد علی (۱۳۸۲). نگرش دانش آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران درباره اعتیاد. نشریه رفاه اجتماعی، ۷(۲)، ۲۳۰-۲۱۷.

حاجبی احمد، فریدنیا پیمان، ظریف محمدصادق (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش بر آگاهی و نگرش نسبت به سوء مصرف مواد در کارکنان شرکت های پتروشیمی منطقه پارس جنوبی. فصلنامه علمی تخصصی طب کار، ۱۱(۱)، ۱۹-۱۴.

حاجلی، علی؛ زکریایی، محمد علی و حاجتی کرمانی، سوده (۱۳۸۹). نگرش مردم به سوء مصرف مواد مخدر در کشور. نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی)، ۱(۲)، ۱۱۲-۸۱. حسینی، سید حمید (۱۳۸۹). بررسی رابطه هیجان خواهی با نگرش به مصرف مواد مخدر در دانش آموزان. فصلنامه رشد مشاور مدرسه، ۵(۳)، ۱۱-۴.

خدایاری، سعید؛ یونسی، جلیل و فیضی برناجی، آزاده (۱۳۹۵). مدل یابی عوامل نگرش نسبت به اعتیاد به مواد مخدر در بین دانشجویان شهر تهران. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، ۱۰(۳۷)، ۴۲-۲۷.

خلیلی صدرآباد، افسر؛ چاووش زاده، زهرا السادات؛ رادمنش، محمد حسن و افخمی اردکانی، مهدی (۱۳۸۹). اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر و کاهش آسیب پذیری نسبت به اعتیاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد، ۴(۱۴)، ۶۳-۷۶.

خوشایبی، کتابیون؛ مرادی، شهرام و حبیبی، مجتبی (۱۳۹۰). عوامل خطر و محافظت کننده سوء مصرف مواد در دانش آموزان دبیرستانی. *فصلنامه روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، ۱۷(۴)، ۳۲۳-۳۱۳.

دلاور، علی؛ رضایی، علی محمد و عزیزاده، ابراهیم (۱۳۸۸). رابطه مولفه‌های خانوادگی با نگرش به موادمخدر در دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران. *دو ماهنامه علمی - پژوهشی روان شناسی بالینی و شخصیت*، ۱۶(۳۷)، ۳۴-۲۱.

دلاور، علی؛ عزیزاده، ابراهیم و رضایی، علی محمد (۱۳۸۳). ساخت و استانداردسازی آزمون نگرش سنج به موادمخدر و تعیین رابطه میان مولفه‌های فردی و خانوادگی با آن برای دانش آموزان دوره متوسطه شهر تهران. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۲۰(۳)، ۷۶-۵۱.

دلاور، علی؛ محمدرضایی، علی و عزیزاده، ابراهیم (۱۳۸۸). رابطه مولفه‌های خانوادگی با نگرش به موادمخدر در بین دانش آموزان مقطع متوسطه شهر تهران. *دانشور رفتار*، ۱۶(۳۷)، ۳۴-۲۱.

رحمتی، عباس و اعتمادی، احمد (۱۳۸۵). تاثیر آموزش مهارت‌های مقابله‌ای به روش بحث گروهی بر نگرش دانش آموزان نسبت به سوء مصرف موادمخدر. *نشریه پژوهش‌های نوین روانشناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)*، ۴(۱)، ۱۴۱-۱۱۷.

رحیمی موقر، آفرین (۱۳۷۵). پیشگیری اولیه از اعتیاد. تهران: انتشارات معاونت امور فرهنگی و پیشگیری سازمان بهزیستی کشور.

رحیمیان بوگر، اسحق، طباطبایی، سید موسی و طوسی، جلیله (۱۳۹۳). نگرش نسبت به سوء مصرف مواد و پیامدهای آن: نقش پیش بین صفات شخصیت و عوامل جمعیت شناختی. *مجله علوم پزشکی رازی*، ۱۲۹(۲۱)، ۵۰-۳۹.

رحیمی موقر، آفرین؛ سهیمی ایزدیان، الهه؛ رادگودرزی، رضا و محمدی، محمدرضا (۱۳۸۲). نگرش وابستگان به مواد افیونی و خانواده‌های آنان در مورد تأثیر اعتیاد بر صدمات ناشی از زلزله بم. *تازه‌های علوم شناختی*، ۵(۳)، ۴۶-۴۰.

رضایی، علی محمد؛ دلاور، علی و نجفی، محمود (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی پرسشنامه نگرش سنج موادمخدر در دانش آموزان سال سوم راهنمایی و مقطع متوسطه کشور. *نشریه اعتیادپژوهی*، ۲۴(۶)، ۵۴-۳۷.

رفیعی، حسن و علی‌پور، فردین (۱۳۹۳). نگرش دانشجویان کشور به مواد اعتیاد آور در سال ۱۳۹۰. *مسائل اجتماعی ایران*، ۵(۲)، ۱۹-۷.

ریاحی، محمد اسماعیل؛ علپوردی نیا، اکبر و سلیمانی بشلی، محمد رضا (۱۳۸۸). نگرش دانش آموزان پسر دوره متوسطه قائم شهر نسبت به مصرف سیگار. *مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران*، ۵(۳)، ۵۴-۴۴.

- زاهدی اصل، محمد و لطفی، شورش (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر بر شکل گیری نگرش جوانان (۱۸ تا ۲۹ سال) به مواد اعتیاد آور. فصلنامه علوم اجتماعی، ۵۸، ۳۳-۵۸.
- زایونک، آر. بی. (۱۳۶۸). روانشناسی اجتماعی تجربی. ترجمه محمود ابروانی، تهران: انتشارات فتحی.
- سجادی، موسی؛ شریعتی فر، نبی؛ مطلبی، محمد؛ عباس نژاد، عباسعلی؛ بصیری مقدم، کوکب و ناظمی، سید حسین (۱۳۸۷). نرخ دانش و نگرش نسبت به داروهای روان گردان و شیوع سوء استفاده از آن در بین دانشجویان دانشگاه گناباد. مجله افق علوم پزشکی، (۲) ۱۵، ۶۴-۵۸.
- سلیمانی، سمیرا؛ رضایی، علی محمد و نظری، فاطیما (۱۳۹۴). نقش احساس تنهایی در نگرش دانشجویان به موادمخدر. فصلنامه روان شناسی تربیتی، (۱۱) ۳۵، ۷۷-۶۷.
- سهرابی اسمرود، فرامرز؛ هادیان، مینا؛ دائمی، حمید رضا و اصغر نژاد فرید، علی اصغر (۱۳۸۷). اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد. مجله علوم رفتاری، ۲(۳)، ۲۲۰-۲۰۹.
- سیگل، لاری و سنا، جوزف (۱۳۸۲). بزهکاری نوجوانان. ترجمه علی تاج مزینانی و فرامرز ککولی دزفولی، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان.
- شریفی، حسن پاشا و رضایی، نورمحمد (۱۳۸۸). رابطه بین نگرش به موادمخدر با نایمی در خانواده. فصلنامه تحقیقات روانشناختی، (۲) ۱، ۸۶-۷۷.
- صالحی، ایرج (۱۳۷۱). زنجیره های اعتیاد. تهران: انتشارات آوای نور.
- صرامی، حمید (۱۳۹۵). سایت ستاد مبارزه با موادمخدر به آدرس http://www.dchq.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=35634:27-11&catid=351&Itemid=1145
- طارمیان، فرهاد (۱۳۷۸). سوء مصرف موادمخدر در نوجوانان. تهران: انتشارات تربیت.
- عبداله پورچناری، مرتضی و گلزاری، محمود (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش مهارت های زندگی بر تغییر نگرش دانش آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر سیرجان نسبت به سوء مصرف مواد مخدر. اعتیاد پژوهی، ۲(۸)، ۵۴-۳۳.
- علیزاده، ابراهیم (۱۳۸۴). تعیین میزان شیوع رفتارهای پرخطر و ارتباط آن ها با عوامل فردی و خانوادگی دانش آموزان دوره متوسطه، گزارش منتشر نشده، دفتر تحقیقات کاربردی سازمان آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران.
- علیزاده، ابراهیم و دهقان نیری، طیبه، (۱۳۹۵). پیش بینی ابعاد نگرش مثبت به موادمخدر در دانش آموزان نوجوان: تحلیل رگرسیون چند متغیره و رگرسیون چند گانه. نشریه اعتیاد پژوهی، (۱۰) ۳۷، ۷۴-۵۹.

فرویدان، علی؛ صدرالسادات، سیدجلال؛ محمدی، فهیمه؛ مانوکیان، آتی؛ جعفری، فاطمه، صادقی، ماندانا؛ شهرکی، محمدعلی و فیروزآبادی، سیدحسین (۱۳۸۷). بررسی دانش و نگرش گروهی از ارمنه تهران در مورد اعتیاد و مصرف مواد. *نشریه تازه‌های علوم شناختی*، ۲(۱۰)، ۲۰-۹.

کریمی، یوسف (۱۳۷۹). *نگرش و تغییر نگرش*. تهران: نشر ویرایش.

کریمی، یوسف (۱۳۸۶). *روانشناسی اجتماعی*. تهران: نشر ارسباران.

گنجی، حمزه؛ رهنمای نمین، مریم و شریفی، حسن پاشا (۱۳۹۳). پیش بینی گرایش نوجوانان به اعتیاد بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و شیوه‌های فرزند پروری به منظور ارائه مدلی برای پیش‌گیری. *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۹(۳۳)، ۴۷-۵۶.

مانه‌ایم، کارل (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و اتوپیا: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت*. ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت.

مردادی، شهاب؛ قربانی، راهب و رادبخش، ناهید (۱۳۹۷). نگرش به موادمخدر و برخی عوامل مرتبط با آن در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی سمنان. *کومش*، ۲۰(۲)، ۳۲۵-۳۳۵.
موون، جان و مینور، مایکل (۱۳۸۴). *رفتار مصرف‌کننده*. ترجمه عباس صالح اردستانی، چاپ اول، تهران: نشر آن.

میراحمدی‌زاده، علی‌رضا؛ نقشواریان، مجتبی؛ مقدمی، محسن؛ همتی، عبدالرسول و پارساپور، رکسانا (۱۳۸۹). تاثیر آموزش پیشگیری از سوءمصرف مواد بر آگاهی و نگرش سربازان. *مجله طب نظامی*، ۱۲(۱)، ۳۳-۳۷.

نویخت، لیلا (۱۳۹۴). نگرش دانشجویان به سوءمصرف موادمخدر و عوامل موثر بر آن. *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، ۱(۳)، ۱۸۸-۱۵۶.
هرگنهان، ب. ر. و اولسون، ج. م. (۱۳۸۲). *نظریه‌های یادگیری*. ترجمه علی اکبر سیف، چاپ ششم، تهران: انتشارات دوران.

Agrawal, A., Lynskey, M. T., Bucholz, K. K., Madden, P. A. F & Heath, A. C. (2007). Correlates of cannabis initiation in a longitudinal sample of young women: The importance of peer influences. *Preventive Medicine: An International Journal Devoted to Practice and Theory*, 45(1), 31-44.

Ajzen, I & Fichbein, M. (1980). *Understanding attitudes and predicting social behavior*. Englewood Cliff, MJ: Prentice-Hall.

Alhyas, L., Al Ozaibi, N., Elarabi, H., El-Kashef, A., Wanigaratne, S., Almarzouqi, A., Alhosani, A & Al Ghaferi, H. (2015). Adolescents perception of substance use and factors in fluencing its use: a qualitative study in Abu Dhabi. *The Journal of the Royal Society of Medicine Open*, 6(2), 1-12.

Bahr, S. J., Hoffmann, J. P & Yang, X. (2005). Parental and Peer influences on the risk of adolescent drug use. *The Journal of Primary Prevention*, 26(6), 529-551.

Bandura, A. (1971). *Social learning theory*. New York: General Learning Press

- Bandura, A. (1977). Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change. *Psychological Review*, 84, 191-215.
- Barnes, G. M & Welte, S. (1984). Adolescent alcohol abuse and other problem behaviors: Their relationships and common parents influences. *Journal of Adolescence and Youth*, 13, 329-348.
- Baron, R. A & Byrne, D. (2000). *Social Psychology*. Mass achusetts: Allyn & Bacon.
- Beythe-Marion, R., Austin, L., Fischhoff, B., Palmgren, C & Jacobs-Quadtel, M. (1994). Percieved consequences of risky behaviors, adults and adolescents. *Developmental Psychology*, 29, 549-563.
- Birhanu, A. M., Bisetegn, T. A & Woldeyohannes, S. M. (2014). High Prevalence of substance use and associated factors among high school adolescents in Woreta town, northwest Ethiopia: Multi-domain factor analysis. *BMC public Health*, 14, 1-19.
- Bohner, G. and Wanke, M. (2002). *Attitudes and Attitude Change*. Psychology Press, Hove.
- Botvin, J. G. (2000). Preventing drug abuse in schools: social and competence enhancement approaches targeting individual- level etiological factors. *Addictive Behavior*, 25(6), 887-897.
- Brehm, S. S., Kassin, S. M., & Fein, S. (1999). *Social psychology* (4th Ed.). Boston, MA, US: Houghton, Mifflin and Company.
- Dennhardt, A.A & Murphy, J. G. (2013). Prevention and treatment of college student drug use. *A review of the literature. Addictive Behavior*, 38 (10), 2607-18.
- Hawkins, J. D & Weiss, (1985). The Scocial Development Model: An Integrated Approach to Delinquency Prevention. *Journal of Primary Prevention*, 6(2), 73-97.
- Hawkins, J. D., Catalano, R. F & Miller, J. Y. (1992). Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood: Implications for substance abuse prevention. *Psychological Bulletin*, 112(1), 64- 105.
- Hess, T. M. (2006). *Attitudes toward Aging and Their Effects in Behavior, Handbook of the Psychology of Aging*. Academic Press.
- Hillson, D & Murray-Webster, R. (2007). *Understanding and Managing Risk Attitude*. Gower Publishing, Ltd.
- Jessor, R., Donovan, J. E & Casta, F. M. (1991). *Beyond Adolescence: Problem Behavior and Young Adult Development*. Cambridge: England, Cambridge University Press.
- Kenrick, D. T., Neuberg, S. L & Cialdini, R. B. (1999). *Social Psychology*. Boston: Allyn & Bacon.
- Kretch, D., Crutchfield, R & Ballachey, E. (1962). *Individual Society Textbook Social Psychology*. McGraw-Hill.
- Kuther, T. L. (2002). Rational disision perspectives on alcohol consumption by youth: Revising the theory of planned behavior. *Journal of addictive Behavior*, 27(1), 35-37.

- Lotfi, Y & Ayar, A. (2012). The Effects of Informative Programs on the Change of Attitude and Consumption of Drugs, *Social and Behavioral Sciences*, 35, 195-204.
- Maio, G. R & Haddock, G. (2010). *The Psychology of Attitudes and Attitude Change*. 1st Edition, SAGE Publications Inc.
- Mead, G. H. (1982). *The Individual and the Social Self*. University of Chicago Press.
- Newcomb, T. M. (1946). The influence of attitude climate upon some determinants of information. *Journal of Abnormal and Social Psychology*, 41(3), 291-302.
- O Callaghan, F. V., Chant, D. C., Callan, V. J & Baglioni, A. (1997). Models of alcohol use by young adults: an examination of various attitude- behavior theories. *Journal of studies on alcohol*, 58(5), 502-507.
- Oetting, E. R & Beauvais, F. (1987). Peer Cluster Theory Socialization Characteristics and Adolescent Drug Use: A Path Analysis. *Journal of Counseling Psychology*, 34(2), 205-213.
- Parsai, M., Voisine, S., Marsiglia, F. F., Kulis, S & Nieri, T. (2009). The protective and risk effects of parents and peers on substance use, attitudes and behaviors of Mexican and Mexican-American female and male adolescents. *Youth & Society*, 40(3), 353-376.
- Paschal, A. M., Lewis, R. K & Sly, J. (2007). African American parents' behaviors and attitudes about substance use and abuse. *Journal of Ethnicity in Substance Abuse*, 6(1), 67-79.
- Shedler, J & Block, J. (1990). *Adolescent drug use and psychological health*. *American psychologist*, 45, 612-630.
- Sutherland, E. H. (1949). *White Collar Crime*. New York: Holt, Rinehart & Winston.
- Tavolacci, M. P., Ladner, J., Grigioni, S., Richard, L., Villet, H & Dechelotte, P. (2013) Prevalence and association of perceived stress, substance use and behavioral addictions: a cross-sectional study among university students in France, *BMC Public Health*, 13, 724.
- Taylor, S. E., Peplau, L. A & Cears, D. O. (2000). *Social Psychology*. Tenth edition, NJ: Prantice-Hall Inc.
- Wium, N., Torsheim, T & Wold, B. (2006). Normative processes and adolescents' smoking behaviour in Norway: A multilevel analysis. *Social Science & Medicine*, 62(7), 1810-1818.
- Wilson, T. d., Lisle, D. j & Kraft, D. (1990). *Effects of Self-Reflection on Attitudes and Consumer Decisions*", in NA - *Advances in Consumer Research Volume 17*, eds. Marvin E. Goldberg, Gerald Gorn, and Richard W. Pollay, Provo, UT : Association for Consumer Research, 79-85.